

از پراکندگی سیاسی تا هفت خانواده پارلمانی

بازسازی آناتومی حزبی ایران برای سکولار دموکراسی در پادشاهی مشروطه یا جمهوری پارلمانی

مقاله علمی - سیاسی و طرح نهادی

نویسنده: پیمان بخشایش

جراح تروما | MD, PhD, MBA

تاریخ نگارش: ۱۸ اوت ۲۰۲۶ / ۲۷ مرداد ۱۴۰۵

نسخه پژوهشی برای بحث عمومی، سازمان‌دهی حزبی و طراحی دوران گذار

چکیده

مسئله اصلی سیاست ایران صرفاً فقدان یک «رهبر» یا کمبود شمار سازمان‌های سیاسی نیست؛ مسئله بنیادی‌تر، نبود یک نظام حزبی آزاد، قابل سنجش و قابل تبدیل به ائتلاف‌های پارلمانی است. جمهوری اسلامی، از یک سو، انتخابات و تحزب را زیر نظارت استصوابی، انحصار نهادهای انتصابی و محدودیت‌های امنیتی قرار داده و، از سوی دیگر، اپوزیسیون را به شبکه‌ای پراکنده از احزاب تاریخی، سازمان‌های تبعیدی، ائتلاف‌های موقت، جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های منطقه‌ای تبدیل کرده است. از این‌رو نام، پیشینه یا موضع یک تشکل درباره پادشاهی و جمهوری، به‌تنهایی برای شناخت جایگاه واقعی آن در یک دموکراسی آینده کافی نیست. این مقاله می‌کوشد با بهره‌گیری از نظریه «خانواده‌های حزبی»، شکاف‌های اجتماعی - سیاسی و ادبیات نهادینه‌سازی احزاب، یک طبقه‌بندی دو مرحله‌ای برای نیروهای ایرانی ارائه کند: نخست، عبور از «دروازه دموکراتیک»؛ دوم، جای‌گیری موقت در یکی از هفت خانواده پارلمانی. [۸-۱]

الگوی تطبیقی مقاله از سوئد الهام گرفته است، اما نسخه‌برداری مکانیکی از آن نیست. پارلمان سوئد در دوره ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ دارای هشت حزب است؛ برای پاسخ به مسئله پژوهش حاضر، خانواده «مرکز» و «لیبرال» در یک گروه لیبرال - میانه ادغام شده‌اند تا هفت خانواده شکل گیرد: ۱) محافظه‌کاران لیبرال و توسعه‌گرا؛ ۲) لیبرال‌های میانه، حقوق‌محور و تمرکززدا؛ ۳) سوسیال‌دموکرات‌ها؛ ۴) چپ دموکراتیک و سوسیالیست؛ ۵) سبزها؛ ۶) ملی‌گرایان دموکرات و محافظه‌کاران هویتی؛ و ۷) دین‌باوران دموکرات. این هفت خانواده نباید در قانون اساسی به‌صورت سقف اجباری احزاب تثبیت شوند؛ بلکه باید به‌منزله هفت «فراکسیون هماهنگ‌کننده» عمل کنند که ده‌ها حزب می‌توانند با حفظ نام، تاریخ، نماد، برنامه و موضع خود درباره شکل حکومت درون آن‌ها همکاری کنند. [۹-۱۱]

بررسی برنامه‌های علنی احزاب و ائتلاف‌های اصلی نشان می‌دهد که شکاف «پادشاهی یا جمهوری» با شکاف «چپ یا راست» یکسان نیست. یک مشروطه‌خواه می‌تواند سوسیال‌دموکرات، سبز یا لیبرال باشد و یک جمهوری‌خواه نیز می‌تواند محافظه‌کار، ملی‌گرا، سوسیالیست یا دین‌باور دموکرات باشد. بنابراین شکل دولت باید در یک همه‌پرسی آزاد و پس از تدوین دوبسته قانون اساسی هم‌ارز از نظر حقوق بنیادین تعیین شود، نه اینکه به معیار اخراج احزاب از ائتلاف سکولار دموکراتیک تبدیل گردد. داده‌های موجود افکار عمومی نیز از یک اکثریت تک‌حزبی حکایت نمی‌کنند: آزادی‌های فردی و حقوق بشر، عدالت اجتماعی و حقوق کار، و ملی‌گرایی ایرانی سه محور پرجاذبه‌اند؛ محیط زیست، بازار آزاد و تمرکززدایی نیز پایگاه‌های کوچک‌تر اما معنادار دارند. این داده‌ها پیش‌بینی کرسی نیستند، اما ضرورت ائتلاف چندخانواده‌ای را تقویت می‌کنند. [۱۴]

مقاله جایگاه شاهزاده رضا پهلوی را نیز در همین منطق نهادی تحلیل می‌کند. او از نظر شناخته‌شدگی، سرمایه نمادین، ارتباطات بین‌المللی و توان گردآوری بخش مهمی از مخالفان، برجسته‌ترین چهره فردی اپوزیسیون است و در مواضع رسمی

خود از حکومتی ملی، سکولار، دموکراتیک و انتخابی سخن گفته است. با این حال، برجستگی فردی معادل رأی اکثریت یا نهاد حزبی پایدار نیست و گزارش‌های مستقل، ضعف سازمان‌دهی و دشواری ایجاد ائتلاف فراگیر را نیز مطرح کرده‌اند. نتیجه هنجاری مقاله این است که مؤثرترین نقش احتمالی او «همانگ کننده محدود و پاسخ‌گوی دوران گذار» در کنار یک شورای جمعی و نهادهای مستقل است، نه منبع اقتدار فراقانونی. [۱۶-۱۴]

خروجی نهایی پژوهش، افزون بر مدل هفت خانواده، شامل معیارهای پذیرش دموکراتیک، نقشه پیشنهادی جای‌گیری بیش از صد حزب، سازمان و ائتلاف، طراحی انتخاباتی، دو الگوی هم‌ارز برای پادشاهی مشروطه و جمهوری پارلمانی، و نقشه راه مرحله‌ای برای گذار است. طبقه‌بندی‌ها قطعی یا ارزشی نیستند؛ هر شکل می‌تواند با اصلاح برنامه، کنار گذاشتن خشونت، دموکراتیک کردن ساختار داخلی یا روشن کردن مواضع مبهم، جایگاه خود را تغییر دهد.

واژگان کلیدی

احزاب سیاسی ایران؛ خانواده حزبی؛ سکولار دموکراسی؛ پارلمانتاریسم؛ پادشاهی مشروطه؛ جمهوری پارلمانی؛ رضا پهلوی؛ دوران گذار؛ تمرکززدایی؛ نهادینه‌سازی حزبی.

یادداشت روش‌شناختی نویسنده

این مقاله از نظر سیاسی مدافع گذار به یک نظم سکولار، دموکراتیک، پارلمانی و مبتنی بر رأی آزاد مردم است. با این حال، طبقه‌بندی احزاب به معنای تأیید همه سوابق، رهبران یا روش‌های آنان نیست. در مورد تشکلهای چندپاره، نیمه‌فعال، زیرزمینی یا فاقد برنامه به‌روز، جای‌گذاری «موقت» و مشروط است. هیچ فهرست رسمی و کاملاً قابل راستی‌آزمایی از تمام سازمان‌های ایرانی وجود ندارد؛ از این رو پیوست مقاله یک اطلس جامع اولیه است، نه ادعای احصای نهایی و تغییرناپذیر.

یافته‌های اصلی در یک نگاه

۱. ایران آینده به هفت حزب واحد نیاز ندارد؛ به هفت خانواده یا فراکسیون همانگ‌کننده نیاز دارد که تکثر احزاب را به رقابت پارلمانی قابل فهم تبدیل کنند.
۲. پادشاهی یا جمهوری «محور شکل دولت» است و نباید جای چپ و راست، سکولار و مذهبی، یا متمرکز و غیرمتمرکز را بگیرد.
۳. پیش از جای‌دادن هر تشکل در یک خانواده ایدئولوژیک، باید تعهد آن به انتخابات آزاد، برابری شهروندی، جدایی نهاد دین از دولت، منع خشونت و شفافیت مالی سنجیده شود.

۴. احزاب موجود در جمهوری اسلامی را نمی‌توان صرفاً با عنوان اصلاح طلب، اصول گرا یا اعتدالی وارد دموکراسی آینده کرد؛ آنان باید رابطه خود را با ولایت فقیه، تبعیض دینی، نظارت استصوابی و شبکه‌های رانتی روشن کنند.
۵. احزاب قومی یا منطقه‌ای یک خانواده مستقل و بسته نیستند. هر حزب کرد، بلوچ، عرب، ترک، ترکمن یا لر باید بر پایه اقتصاد، عدالت اجتماعی، محیط زیست، دین و نوع تمرکززدایی در یکی از هفت خانواده جای گیرد.
۶. سازمان‌های دارای نیروی مسلح، سابقه خشونت یا ساختار غیرشفاف، حق حذف دائمی ندارند؛ اما ورود آنان به رقابت قانونی منوط به خلع سلاح، حسابرسی مستقل، انتخابات درون‌سازمانی و پذیرش اقتدار انحصاری دولت دموکراتیک است.
۷. رضا پهلوی می‌تواند سرمایه نمادین مهمی برای همگرایی باشد، مشروط بر آنکه خود را به میثاقی زمان‌مند، شورای جمعی، نهاد انتخابات مستقل و بی‌طرفی در همه‌پرسی شکل حکومت مقید کند.
۸. هیچ نظرسنجی آنلاین، تجمع خارج کشور یا محبوبیت رسانه‌ای جای رأی مخفی شهروندان ایران را نمی‌گیرد؛ «نظر غالب مردم» فقط از انتخابات آزاد و رقابتی به دست می‌آید.
۹. قانون اساسی آینده باید در حقوق بنیادین، در هر دو گزینه پادشاهی مشروطه و جمهوری پارلمانی، یکسان باشد؛ تفاوت اصلی فقط در شیوه تعیین رئیس کشور تشریفاتی خواهد بود.
۱۰. موفقیت گذار نه با حذف مخالفان، بلکه با تبدیل دشمنی‌های تاریخی به رقابت برنامه‌ای، ائتلاف‌های موقت و جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت سنجیده می‌شود.

فهرست ساختاری مقاله

- ۱. مسئله پژوهش و ضرورت بازسازی نظام حزبی
- ۲. چارچوب نظری، روش گردآوری داده و محدودیت‌ها
- ۳. درس‌های قابل اقتباس از سوئد و مرزهای قیاس
- ۴. شکاف‌های اصلی در آنانومی سیاسی ایران
- ۵. دروازه دموکراتیک و نظام امتیازدهی
- ۶. هفت خانواده پارلمانی و جایگاه نیروهای ایرانی
- ۷. احزاب منطقه‌ای، فدرالیسم و محورهای متقاطع
- ۸. رضا پهلوی، رهبری گذار و مهار نهادی قدرت
- ۹. طراحی پارلمان، نظام انتخاباتی و دو شکل دولت
- ۱۰. افکار عمومی و منطق ائتلاف‌سازی
- ۱۱. نقشه راه گذار و زمان‌بندی پیشنهادی
- ۱۲. خطرهای نقدهای محتمل و سازوکارهای پیشگیری

- ۱۳. نتیجه‌گیری و دوازده گزاره اجرایی
- پیوست الف. اطلس اولیه احزاب، سازمان‌ها و ائتلاف‌ها
- پیوست ب. فرم استاندارد ارزیابی و ثبت حزب
- منابع و مآخذ

۱. مسئله پژوهش و ضرورت بازسازی نظام حزبی

۱-۱. از کثرت نام‌ها تا فقدان نظام حزبی

ایران دارای شمار فراوانی حزب، سازمان، جبهه، شورا، ائتلاف، کنگره و جنبش است، اما «کثرت تشکل» لزوماً به معنای «نظام حزبی» نیست. نظام حزبی زمانی شکل می‌گیرد که سازمان‌ها پایگاه اجتماعی قابل شناسایی، برنامه عمومی، رهبری انتخابی، منابع مالی روشن، امکان رقابت منظم و رابطه‌ای پایدار با نهادهای انتخابی داشته باشند. نظریه‌پردازان احزاب میان صرف وجود گروه‌های سیاسی و نهادینه‌شدن رقابت حزبی تفاوت می‌گذارند: حزب نهادینه، فقط دفتر، رسانه یا رهبر ندارد؛ قواعدی دارد که از افراد پایدارتر است و شکست انتخاباتی را می‌پذیرد. [۲، ۴، ۵]

در جمهوری اسلامی، رقابت رسمی در محدوده وفاداری به قانون اساسی دینی و نهاد ولایت فقیه مهندسی شده است. شورای نگهبان نامزدها را گزینش می‌کند و نهادهای انتصابی بر نهادهای انتخابی برتری دارند؛ قوانین حزبی نیز مجوز، تعلیق و نظارت را در اختیار کمیسیون‌های حکومتی قرار می‌دهد. بنابراین «اصول‌گرا»، «اصلاح‌طلب» و «اعتدالی» بیش از آنکه خانواده‌های حزبی آزاد باشند، جایگاه‌هایی درون یک میدان محدود شده‌اند. [۱۲، ۱۳]

در خارج کشور، مشکل شکل دیگری دارد: آزادی بیان بیشتر است، اما پراکندگی جغرافیایی، رقابت بر سر مشروعیت، اتکای شدید به چهره‌ها، ضعف عضویت واقعی، ابهام مالی و فاصله با سازمان‌های اجتماعی داخل ایران، بسیاری از تشکل‌ها را به شبکه‌های رسانه‌ای یا حلقه‌های تاریخی تبدیل کرده است. این ضعف به معنای بی‌ارزشی اپوزیسیون نیست؛ بلکه نشان می‌دهد که گذار موفق به سازوکاری برای تبدیل سرمایه نمادین و تجربه تاریخی به سازمان‌های پاسخ‌گو نیاز دارد. [۲۸، ۲۹]

۱-۲. پرسش اصلی و پرسش‌های فرعی

پرسش اصلی مقاله چنین است: چگونه می‌توان احزاب و سازمان‌های اصلی ایران، در داخل و خارج کشور، را بدون وادار کردن آنان به ترک اصول سیاسی‌شان در هفت خانواده پارلمانی قرار داد تا یک سکولاردموکراسی پارلمانی، چه در قالب پادشاهی مشروطه و چه در قالب جمهوری دموکراتیک، امکان‌پذیر شود؟

- کدام معیارها باید پیش از طبقه‌بندی ایدئولوژیک، صلاحیت دموکراتیک یک تشکل را تعیین کنند؟
- کدام احزاب موجود، بر اساس برنامه علنی خود، مستقیماً قابل جای‌گیری‌اند و کدام‌یک نیازمند تحول بنیادین‌اند؟
- چگونه می‌توان اختلاف بر سر پادشاهی و جمهوری را از رقابت چپ و راست جدا کرد؟
- احزاب منطقه‌ای و مطالبات فدرالی یا تمرکززدا چگونه باید از منطق اتهام‌زنی و جدایی طلب‌خواندن خارج شوند؟
- رضا پهلوی چگونه می‌تواند نقش همگراکننده داشته باشد بی‌آنکه ساختار گذار به شخص‌محوری یا پیش‌داوری درباره نتیجه همه‌پرسی تبدیل شود؟
- چه نظام انتخاباتی می‌تواند هم تناسب ملی و هم نمایندگی استان‌ها و گروه‌های کوچک‌تر را تضمین کند؟

۱-۳. فرضیه و استدلال مرکزی

فرضیه مرکزی

اگر نیروهای سیاسی ایران ابتدا بر یک «کف دموکراتیک الزام‌آور» توافق کنند و سپس بر پایه برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، هویتی و تمرکززدایی در هفت خانواده پارلمانی سامان یابند، امکان تشکیل اکثریت‌های ائتلافی و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت افزایش می‌یابد. در این مدل، اختلاف پادشاهی و جمهوری از یک جنگ هویتی به انتخاب میان دو معماری محدود و دموکراتیک برای ریاست کشور تبدیل می‌شود.

استدلال مرکزی مقاله این است که مشکل ایران نه تکثر، بلکه «تکثر بدون قواعد مشترک» است. دموکراسی نیازمند همگرایی کامل عقیدتی نیست؛ نیازمند توافق بر روش است. یک حزب می‌تواند ملی‌گرا باشد و دیگری فدرالیست، یکی بازارگرا و دیگری سوسیالیست، یکی پادشاهی‌خواه و دیگری جمهوری‌خواه؛ اما همه باید بپذیرند که حقوق فردی، نتیجه انتخابات، استقلال قوه قضاییه و انحصار قانونی نیروی مسلح قابل معامله نیست.

۲. چارچوب نظری، روش و محدودیت‌ها

۱-۲. خانواده حزبی چیست؟

مفهوم «خانواده حزبی» برای دسته‌بندی احزابی به کار می‌رود که، با وجود تفاوت‌های ملی و تاریخی، درباره چند محور بنیادی نزدیکی دارند: نقش بازار و دولت، میزان بازتوزیع، آزادی‌های اجتماعی، هویت ملی، محیط زیست، دین و شیوه اداره سرزمین. این مفهوم از طبقه‌بندی صرف چپ و راست دقیق‌تر است، زیرا یک حزب ممکن است در اقتصاد راست میانه، در فرهنگ لیبرال و در تمرکززدایی پیشرو باشد. پژوهش‌های تطبیقی توصیه می‌کنند که برای تشخیص خانواده، هم «خاستگاه تاریخی» و هم «برنامه و رفتار کنونی» بررسی شود. [۱، ۳، ۴]

در این مقاله، خانواده حزبی با «حزب واحد» مترادف نیست. ده حزب کوچک می‌توانند در انتخابات مستقل شرکت کنند و پس از ورود به پارلمان، برای انتخاب رئیس مجلس، تقسیم کمیسیون‌ها، تدوین بودجه و مذاکره ائتلافی یک فراکسیون مشترک بسازند. برعکس، یک حزب بزرگ نیز ممکن است درون خود جناح‌های پادشاهی‌خواه و جمهوری‌خواه داشته باشد، بی‌آنکه درباره سیاست اقتصادی و اجتماعی از هم جدا شود.

۲-۲. واحدهای تحلیل

واحدهای تحلیل چهار نوع‌اند: حزب دارای عضویت و ارکان؛ سازمان سیاسی یا ایدئولوژیک؛ ائتلاف چندتشکیلی؛ و جنبش اجتماعی. جنبش‌هایی مانند «زن، زندگی، آزادی»، جنبش سبزی یا جنبش شیر و خورشید به دلیل گستردگی و ناهمگونی، به‌خودی‌خود حزب محسوب نمی‌شوند. آنان می‌توانند فرهنگ سیاسی، نماد و شبکه اجتماعی تولید کنند، اما فقط زمانی در یکی از هفت خانواده جای می‌گیرند که به سازمانی با برنامه، عضویت، رهبری انتخابی و مسئولیت‌پذیری مالی تبدیل شوند.

۳-۲. گردآوری و کدگذاری داده‌ها

اطلاعات این مقاله از چهار دسته منبع گردآوری شده است: (۱) مرام‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها و بیانیه‌های رسمی احزاب؛ (۲) منابع دانشگاهی درباره احزاب و گذار دموکراتیک؛ (۳) گزارش‌های نهادهای معتبر درباره ساختار سیاسی و حقوق بشر؛ و (۴) پیمایش‌های افکار عمومی. در مورد تشکلهایی که چند شاخه دارند یا برنامه رسمی آنان در دسترس نیست، منابع ثانویه فقط برای شناسایی و نه برای داوری نهایی به کار رفته‌اند. طبقه‌بندی بر پایه آخرین موضع علنی قابل دسترس تا ۱۸ اوت ۲۰۲۶ انجام شده است.

برای هر تشکل ده متغیر کدگذاری شده است: پذیرش سکولاریسم حقوقی؛ انتخابات آزاد؛ گردش قدرت؛ حقوق برابر؛ استقلال قوه قضاییه؛ خشونت و نیروی مسلح؛ شفافیت مالی؛ جهت اقتصادی؛ میزان رفاه‌گرایی؛ و موضع درباره تمرکززدایی و هویت ملی. موضع درباره پادشاهی یا جمهوری جداگانه ثبت شده، اما در تعیین خانواده ایدئولوژیک وزن تعیین‌کننده ندارد.

متغیر	دامنه پیشنهادی	پرسش عملیاتی
سکولاریسم حقوقی	۰ تا ۲	آیا قانون و حقوق شهروندی مستقل از شریعت و نهاد روحانیت است؟
انتخابات و گردش قدرت	۰ تا ۲	آیا شکست انتخاباتی و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت پذیرفته می‌شود؟

متغیر	دامنه پیشنهادی	پرسش عملیاتی
حقوق برابر	۰ تا ۲	آیا زن، مرد، دین دار، بی دین و همه گروه‌های زبانی و قومی حقوق برابر دارند؟
خشونت و نیروی مسلح	۰ تا ۲	آیا حزب از میلشیا و اجبار سیاسی دست می‌کشد و خلع سلاح را می‌پذیرد؟
دموکراسی درون حزبی	۰ تا ۲	آیا رهبران دوره‌ای، انتخابات داخلی و حق مخالفت وجود دارد؟
شفافیت مالی	۰ تا ۲	آیا منابع مالی، کمک خارجی و تعارض منافع قابل حساسی است؟
اقتصاد	از ۲- تا ۲+	از مالکیت و برنامه‌ریزی دولتی تا بازار رقابتی و مالکیت خصوصی
رفاه و عدالت	۰ تا ۲	میزان تعهد به بیمه اجتماعی، حقوق کار و بازتوزیع چقدر است؟
تمرکززدایی	۰ تا ۲	از تمرکز اداری تا خودگردانی محلی یا فدرالیسم
محیط زیست	۰ تا ۲	آیا اقلیم، آب، خاک و تنوع زیستی جزء هسته برنامه‌اند؟

امتیازها ابزار تحقیق و ثبت حزب‌اند، نه ابزار حذف قضایی. وضعیت نهایی هر تشکل باید در فرایندی علنی، قابل اعتراض و زیر نظر دادگاه مستقل تعیین شود.

۲-۴. محدودیت‌های پژوهش

- بسیاری از احزاب ایرانی منشعب شده‌اند و نام‌های بسیار مشابه دارند؛ شاخه‌ها ممکن است مواضع متفاوتی داشته باشند.
- فعالیت زیرزمینی در داخل ایران، اندازه عضویت و میزان حمایت واقعی را غیرقابل سنجش می‌کند.
- وب‌سایت و بیانیه رسمی ممکن است رفتار واقعی سازمان را بازتاب ندهد؛ به همین دلیل سابقه خشونت، ساختار رهبری و گزارش‌های مستقل نیز باید بررسی شود.
- طبقه‌بندی حاضر سنجش محبوبیت نیست. یک حزب کوچک از نظر نظری می‌تواند جای روشن‌تری از یک جنبش بزرگ اما بی‌برنامه داشته باشد.
- پیمایش‌های آنلاین در ایران، با وجود روش‌های وزن‌دهی، با محدودیت دسترسی، خودگزینی و ناامنی پاسخ‌دهندگان روبه‌رو هستند؛ ارقام باید جهت‌نما تلقی شوند، نه نتیجه انتخابات.
- پس از آزادی سیاسی، احزاب جدیدی شکل خواهند گرفت و بسیاری از تشکلهای موجود ادغام، تجزیه یا منحل خواهند شد.

۳. درس‌های قابل اقتباس از سوئد و مرزهای قیاس

۳-۱. واقعیت سوئدی: هشت حزب، نه هفت

پارلمان سوئد، ریکسداگ، ۳۴۹ عضو دارد و در دوره ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ هشت حزب در آن نمایندگی دارند. نظام انتخاباتی تناسبی است؛ آستانه عمومی ورود چهار درصد آرای ملی است و حزبی که در یک حوزه دست کم دوازده درصد رأی بگیرد می‌تواند از همان حوزه کرسی کسب کند. از ۳۴۹ کرسی، ۳۱۰ کرسی حوزه‌ای و ۳۹ کرسی تعدیلی‌اند تا تناسب ملی اصلاح شود. کار روزمره پارلمان نیز تا حد زیادی در گروه‌های حزبی و کمیسیون‌ها انجام می‌گیرد. [۹، ۱۰]

از آنجا که پرسش این مقاله بر هفت گروه استوار است، حزب مرکز و لیبرال‌ها در یک خانواده «لیبرال - میانه» تلفیق شده‌اند. این ادغام تحلیلی است، نه ادعای یکی‌بودن دو حزب سوئدی. در ایران آینده نیز ممکن است دو یا چند حزب نزدیک در انتخابات جدا بمانند، اما برای تشکیل فراکسیون، برنامه مشترک حداقلی امضا کنند.

خانواده در سوئد	نام سوئدی	معادل کارکردی پیشنهادی برای ایران
محافظه کاران میانه‌رو	Moderaterna	خانواده ۱: محافظه کاران لیبرال و توسعه گرا
مرکز + لیبرال‌ها	Centerpartiet + Liberalerna	خانواده ۲: لیبرال‌های میانه و حقوق‌محور
سوسیال‌دموکرات‌ها	Socialdemokraterna	خانواده ۳: سوسیال‌دموکرات‌ها
چپ	Vänsterpartiet	خانواده ۴: چپ دموکراتیک و سوسیالیست
سبزها	Miljöpartiet	خانواده ۵: سبزها و زیست‌بوم‌گرایان
دموکرات‌های سوئد	Sverigedemokraterna	خانواده ۶: ملی‌گرایان دموکرات و محافظه کاران هویتی
دموکرات مسیحی‌ها	Kristdemokraterna	خانواده ۷: دین‌باوران دموکرات

۳-۲. پادشاهی مشروطه به مثابه ریاست کشور غیرسیاسی

سوئد یک پادشاهی مشروطه است؛ پادشاه رئیس کشور است اما بر دولت یا پارلمان نفوذ سیاسی ندارد. این نکته برای ایران اهمیت دارد: اگر مردم در همه‌پرسی به پادشاهی مشروطه رأی دهند، کارکرد آن نباید «دولت پادشاه» باشد، بلکه «دولت پارلمان با رئیس کشور نمادین» خواهد بود. مشروعیت روزانه حکومت از نخست‌وزیر و اکثریت پارلمانی می‌آید، نه از تبار، فرمان یا حق مداخله سلطنتی. [۱۱]

۳-۳. آنچه نباید از سوئد کپی شود

- تاریخ، ساختار قومی - زبانی، اندازه کشور، بحران آب، اقتصاد نفتی و تجربه دولت دینی ایران با سوئد یکسان نیست.

- هفت خانواده نباید در قانون به انحصار تبدیل شوند؛ احزاب جدید حق دارند بیرون از این تقسیم‌بندی شکل بگیرند.
- آستانه انتخاباتی باید با نمایندگی استان‌ها و اقلیت‌های کوچک متوازن شود؛ آستانه ملی بدون مسیر منطقه‌ای می‌تواند حذف‌آفرین باشد.
- اعتماد نهادی سوئد محصول دهه‌ها ثبات است؛ ایران دوران گذار به نظارت سخت‌گیرانه‌تر بر پول سیاسی، امنیت و رسانه نیاز خواهد داشت.
- فراکسیون‌سازی نباید از بالا و به فرمان رهبر گذار انجام شود؛ احزاب باید آزادانه تفاهم‌نامه فراکسیونی امضا کنند.

۴. شکاف‌های اصلی در آناتومی سیاسی ایران

طبقه‌بندی دقیق احزاب ایران فقط با یک محور چپ و راست ممکن نیست. دست کم هشت شکاف متقاطع وجود دارد که گاه همدیگر را تقویت و گاه خنثی می‌کنند. نظریه شکاف‌های اجتماعی نشان می‌دهد که احزاب پایدار هنگامی شکل می‌گیرند که تعارض‌های اجتماعی را به برنامه و نمایندگی تبدیل کنند؛ مشکل ایران آن است که چند شکاف تاریخی در یک نام یا یک رهبر فشرده شده است. [۱]

شکاف	طیف نمونه	پرسش تعیین‌کننده
دین و دولت	حکومت دینی ← دین‌باوری دموکراتیک ← سکولاریسم سخت	آیا دین منبع الزام حقوقی دولت است یا امر آزاد جامعه مدنی؟
شکل ریاست کشور	پادشاهی مشروطه ← بی‌طرف/همه‌پرسی ← جمهوری پارلمانی	این محور نباید جانشین چپ و راست شود.
اقتصاد	دولت‌گرایی و مالکیت عمومی ← اقتصاد مختلط ← بازار رقابتی	نقش دولت، مالکیت، مالیات و تنظیم‌گری
عدالت اجتماعی	حداقل رفاه ← بیه اجتماعی گسترده ← بازتوزیع رادیکال	حقوق کار، سلامت، آموزش و تأمین اجتماعی
هویت ملی	ملی‌گرایی متمرکز ← ملی‌گرایی مدنی ← چندملیتی/چندقومی	تعریف ملت، زبان‌ها و نمادهای مشترک
اداره سرزمین	تمرکز اداری ← تمرکززدایی ← فدرالیسم	اختیارات استان‌ها، شوراها و منابع محلی
راهبرد تغییر	اصلاح درون‌نظام ← گذار مذاکره‌ای ← انقلاب/فروپاشی	راهبرد رسیدن به نظم جدید
خوشونت	انحصار دولت دموکراتیک ← دفاع محدود ← سازمان مسلح حزبی	آیا رقابت سیاسی از سلاح جدا می‌شود؟

۴-۱. چرا پادشاهی و جمهوری باید محور مستقل باشد؟

در سیاست تبعیدی ایران، موضع درباره پادشاهی یا جمهوری اغلب همه اختلاف‌های دیگر را می‌بلعد. این امر از نظر تحلیلی خطاست. حزب مشروطه‌خواه می‌تواند از مالیات تصاعدی، اتحادیه‌های کارگری و محیط زیست دفاع کند؛ حزب جمهوری‌خواه می‌تواند بازارگرا و محافظه‌کار فرهنگی باشد. هنگامی که شکل حکومت به هویت مطلق تبدیل شود، احزاب به جای رقابت درباره مسکن، آب، آموزش، مالیات و حقوق کار، در گذشته تاریخی متوقف می‌شوند.

اصل تفکیک دو محور

محور نخست می‌پرسد «چه کسی و با چه روشی رئیس کشور باشد؟»؛ محور دوم می‌پرسد «دولت منتخب چه سیاست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرا کند؟». همه‌پرسی می‌تواند به پرسش نخست پاسخ دهد و انتخابات‌های منظم به پرسش دوم.

۴-۲. داخل و خارج کشور: شکاف مکان یا شکاف مشروعیت؟

حضور در داخل کشور به‌خودی‌خود نشانه دموکراتیک بودن نیست و اقامت در خارج نیز به‌خودی‌خود مشروعیت را از بین نمی‌برد. فعال داخل ایران هزینه امنیتی و ارتباط اجتماعی بیشتری دارد، اما ممکن است در ساختار تبعیض‌آمیز نظام مشارکت کرده باشد. فعال خارج آزادتر است، اما ممکن است از جامعه روزمره ایران دور شده باشد. مدل پیشنهادی باید هر دو را با معیارهای یکسان بسنجد و برای نمایندگی داخل کشور، زنان، جوانان، کارگران، متخصصان و استان‌ها سهم واقعی در فرایند تأسیسی ایجاد کند.

۵. دروازه دموکراتیک: پیش شرط ورود به رقابت آزاد

قرار دادن یک سازمان در یکی از هفت خانواده، فقط زمانی معنا دارد که آن سازمان اساس رقابت دموکراتیک را بپذیرد. «دروازه دموکراتیک» یک آزمون عقیدتی برای حذف چپ، راست، دین‌دار یا ملی‌گرا نیست؛ مجموعه قواعدی است که از حق همه، از جمله مخالفان، محافظت می‌کند. تجربه گذارهای ناموفق نشان می‌دهد که برگزاری انتخابات پیش از توافق بر قواعد، می‌تواند فقط اقتدارگرایی را با نام جدید بازتولید کند. [۷، ۳۰]

۱. حاکمیت مردم و انتخابات آزاد: پذیرش رأی عمومی، رقابت واقعی، رأی مخفی، نهاد مستقل انتخابات و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت.

۲. سکولاریسم حقوقی: هیچ دین، مذهب، ایدئولوژی یا تبار سیاسی منبع امتیاز قانونی یا حق و تو نباشد؛ آزادی دین و بی‌دینی تضمین شود.

۳. برابری کامل شهروندی: منع تبعیض بر پایه جنسیت، دین، بی‌دینی، قومیت، زبان، گرایش سیاسی، ناتوانی یا محل تولد.

۴. حقوق و آزادی‌های بنیادین: پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، آزادی بیان، تشکل، اعتصاب و رسانه.

۵. استقلال دادگستری و دادرسی منصفانه: رد دادگاه‌های ایدئولوژیک، مجازات جمعی، اعتراف اجباری و انتقام خارج از قانون.

۶. انحصار قانونی نیروی مسلح: انحلال یا ادغام نیروهای مسلح حزبی زیر فرماندهی غیرحزبی دولت منتخب؛ منع میلشیا و شاخه امنیتی حزب.

۷. دموکراسی درون‌حزبی: انتخابات دوره‌ای رهبران، محدودیت دوره، حق جناح و مخالفت، ثبت اعضا و قواعد روشن اخراج.

۸. شفافیت مالی و منع وابستگی پنهان: اعلام کمک‌ها، حساسی سالانه، منع پول مخفی دولت‌های خارجی و افشای تعارض منافع.

۹. تمامیت سرزمینی همراه با حق انتخاب دموکراتیک: رد تغییر مرز با خشونت؛ پذیرش بحث آزاد درباره تمرکززدایی، فدرالیسم و اختیارات محلی در چارچوب قانون.

۱۰. قبول محدودیت زمانی قدرت: هیچ رهبر، خاندان، روحانی، حزب یا نیروی انقلابی حق مأموریت دائمی و فراتر از قانون ندارد.

۵-۱. چهار وضعیت ثبت

وضعیت	معنا
الف - قابل ثبت	برنامه و رفتار علنی با اصول بنیادین سازگار است؛ اختلاف‌های سیاسی آزاد است.
ب - پذیرش مشروط	تعهدهای مثبت وجود دارد، اما ساختار، سابقه خشونت، ابهام مالی یا پیوند با ولایت فقیه نیازمند اصلاح و حساسی است.
ج - فعلاً ناسازگار	سازمان هنوز بر حکومت دینی، رهبر مادام‌العمر، خشونت، برتری قومی یا نیروی مسلح مستقل اصرار دارد.
د - اطلاعات ناکافی	برنامه، ساختار یا وضعیت فعالیت روشن نیست؛ ثبت موقت فقط پس از ارائه اسناد ممکن است.

قرار گرفتن در وضعیت «ج» به معنای جرم‌انگاری عقیده نیست. افراد حق بیان دیدگاه دارند؛ محدودیت فقط متوجه ثبت حزب برای کسب قدرت، دریافت بودجه عمومی یا نگهداری نیروی مسلح است. هر تصمیم باید قضایی، زمان‌دار و قابل تجدیدنظر باشد.

۶. هفت خانواده پارلمانی پیشنهادی

هفت خانواده زیر «مقصد نهایی» همه احزاب نیستند، بلکه زبان مشترکی برای تبدیل پراکندگی به رقابت قابل فهم‌اند. هر خانواده می‌تواند چند حزب پادشاهی‌خواه، جمهوری‌خواه یا بی‌طرف در مسئله شکل دولت داشته باشد. عضویت فراکسیونی

باید در آغاز هر دوره پارلمان با قرارداد علنی درباره بودجه، کمیسیون‌ها، رأی اعتماد و خطوط قرمز حقوق بشری ثبت شود. خروج از فراکسیون نیز آزاد است، اما منابع عمومی و زمان رسانه‌ای باید بر پایه قواعد روشن بازتوزیع گردد.

خانواده	هسته برنامه‌ای	جای تقریبی
۱. محافظه کار لیبرال و توسعه گرا	حکومت قانون، بازار رقابتی، مالکیت خصوصی، دولت کارآمد، امنیت و نوسازی	میان‌راست
۲. لیبرال - میانه و حقوق محور	آزادی‌های فردی، جامعه مدنی، اقتصاد اجتماعی بازار، تمرکززدایی و حقوق اقلیت‌ها	مرکز تا میان‌راست/میان‌چپ
۳. سوسیال دموکرات	اقتصاد مختلط، رفاه همگانی، اتحادیه‌های مستقل، برابری فرصت و اصلاح تدریجی	میان‌چپ
۴. چپ دموکراتیک و سوسیالیست	کاهش قدرت سرمایه، مالکیت عمومی یا تعاونی، دموکراسی اقتصادی و عدالت ساختاری	چپ
۵. سبز و زیست بوم گرا	آب، اقلیم، خاک، تنوع زیستی، عدالت نسلی و گذار انرژی	فراچپ/مرکز چپ
۶. ملی گرای دموکرات و محافظه کار هویتی	حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، زبان و نمادهای مشترک، انسجام و نظم در چارچوب حقوق برابر	راست تا میان‌راست
۷. دین باور دموکرات	اخلاق دینی در جامعه مدنی، خانواده و همبستگی اجتماعی، بدون شریعت دولتی یا امتیاز روحانیت	مرکز تا میان‌راست/میان‌چپ

جای تقریبی روی محور چپ و راست فقط راهنماست. آزادی‌های اجتماعی، تمرکززدایی، محیط زیست و دین محورهای مستقلاًند و می‌توانند جایگاه احزاب را تغییر دهند.

۶-۱. خانواده نخست: محافظه کاران لیبرال و توسعه گرا

تعریف کوتاه

این خانواده به دولت محدود اما مقتدر در اجرای قانون، بازار رقابتی، مالکیت خصوصی، ثبات مالی، شایسته‌سالاری، امنیت ملی و نوسازی زیرساخت‌ها گرایش دارد. «محافظه کاری» در اینجا باید به معنای احتیاط نهادی و مسئولیت مالی باشد، نه بازگشت اقتدارگرایانه به گذشته.

پایه‌های برنامه‌ای

- قانون اساسی لیبرال، تفکیک قوا و دادگستری مستقل؛

- رقابت اقتصادی، خصوصی سازی شفاف و مقابله با انحصارهای نظامی، مذهبی و شبه دولتی؛
- بانک مرکزی مستقل، انضباط بودجه، صندوق ثروت ملی و پاسخ گویی درباره نفت و گاز؛
- شبکه ایمنی اجتماعی هدفمند، آموزش عمومی و بیمه پایه؛
- سیاست خارجی واقع گرا بر مبنای منافع ملی و رابطه عادی با همه کشورها؛
- تقویت دولت محلی در امور اجرایی، بدون لزوماً پذیرش فدرالیسم.

تشکل های نزدیک یا قابل جذب

حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات) و حزب ایران نوین، بر پایه برنامه های علنی خود، روشن ترین نمونه های این خانواده اند. حزب مشروطه بر حکومت قانون، جدایی دین و دولت، آزادی و پادشاهی پارلمانی تأکید می کند؛ حزب ایران نوین نیز لیبرال دموکراسی، سکولاریسم، امنیت مالکیت خصوصی، اقتصاد بازار تنظیم شده و صندوق ثروت ملی را در برنامه خود آورده است. [۱۷، ۱۸]

بخش هایی از حزب سکولار دموکرات ایرانیان، تشکل های نوپدید محافظه کار سکولار، و جناح های توسعه گرای مشروطه خواه یا جمهوری خواه نیز می توانند در این خانواده قرار گیرند. در داخل کشور، کارگزاران سازندگی و اعتدال و توسعه، و برخی تشکل های تکنوکرات یا حرفه ای، فقط پس از قطع پیوند حقوقی با ولایت فقیه، پذیرش سکولاریسم و حسابرسی اموال و شبکه های رانتی، قابلیت انتقال به این خانواده یا خانواده دوم را دارند.

بال های ممکن درون فراکسیون

- بال مشروطه خواه: پادشاهی نمادین و پارلمان محور؛
- بال جمهوری خواه محافظه کار: رئیس کشور تشریفاتی و انتخابی؛
- بال بازار گرای کلاسیک: مالیات کمتر و خصوصی سازی گسترده تر؛
- بال «اقتصاد اجتماعی بازار»: تنظیم گری قوی تر، بیمه اجتماعی و سیاست صنعتی محدود.

خطرهای اصلی و مهار آنها

خطر این خانواده، تبدیل توسعه گرایی به تکنوکراسی غیر پاسخ گو، خصوصی سازی رانتی، نوستالژی اقتدار و کم اهمیت شمردن عدالت انتقالی است. راه مهار، رقابت واقعی، قانون ضد انحصار، شفافیت دارایی مقامات، استقلال رسانه و تصریح این اصل است که هیچ دستاورد اقتصادی، نقض حقوق سیاسی را توجیه نمی کند.

۲-۶. خانواده دوم: لیبرال‌های میانه، حقوق‌محور و تمرکززدا

تعریف کوتاه

این خانواده آزادی فردی، حقوق بشر، جامعه مدنی، تکثر فرهنگی، حکومت قانون، اقتصاد اجتماعی بازار و تمرکززدایی را در مرکز قرار می‌دهد. ادغام تحلیلی لیبرال‌ها و مرکزگرایان سوئدی در اینجا به تشکیل یک فراکسیون گسترده از میلیون دموکرات، جمهوری‌خواهان سکولار و لیبرال‌های مشروطه‌خواه کمک می‌کند.

پایه‌های برنامه‌ای

- آزادی بیان، رسانه، تشکل، سبک زندگی و حریم خصوصی؛
- استقلال دادگستری، منشور حقوق بنیادین و دادگاه قانون اساسی؛
- اقتصاد رقابتی همراه با تنظیم‌گری، بیمه اجتماعی و حمایت از کارآفرینی؛
- تمرکززدایی اداری و مالی، شوراهای قدرتمند و حق آموزش و رسانه به زبان‌های محلی؛
- دیپلماسی چندجانبه و پرهیز از ماجراجویی نظامی؛
- انتخابات درون‌حزبی، سهم واقعی زنان و جوانان و گردش رهبری.

تشکل‌های نزدیک یا قابل جذب

جبهه ملی ایران و سازمان‌های وابسته یا منشعب از سنت ملی - مصدقی، حزب ایران، اتحاد جمهوری‌خواهان ایران، همبستگی جمهوری‌خواهان ایران، سازمان‌های جبهه ملی در خارج، ائتلاف «همگامی برای جمهوری سکولار دموکرات»، و بخش‌هایی از شورای مدیریت گذار، به این خانواده نزدیک‌اند. همگامی صراحتاً جمهوری سکولار دموکرات و حاکمیت مردم را مبنا قرار می‌دهد؛ اختلاف آن با مشروطه‌خواهان در شکل ریاست کشور است، نه لزوماً در حقوق بنیادین. [۱۹]

حزب سکولار دموکرات ایرانیان می‌تواند، بسته به سیاست اقتصادی، میان خانواده اول و دوم قرار گیرد. کنگره آزادی ایران و ائتلاف‌های مشابه، چون خود «فراخانواده» هستند، بهتر است به عنوان میز گفت‌وگو باقی بمانند و اعضای آن‌ها جداگانه در خانواده‌های مناسب ثبت شوند. در داخل کشور، حزب اتحاد ملت، میراث جبهه مشارکت، حزب مردم‌سالاری، حزب اراده ملت، صدای ملت و بخشی از نیروهای جنبش سبز فقط پس از پذیرش صریح برچیدن امتیازهای دینی و نظارت استصوابی، قابلیت ورود به این خانواده را خواهند داشت.

حزب مردم بلوچستان و حزب تضامن دموکراتیک اهواز، چنانچه برنامه مدنی، عدم خشونت و حفظ مرزها را در عمل تثبیت کنند، می‌توانند در بال تمرکززدای این خانواده قرار گیرند. هویت منطقه‌ای آنان نباید به طور خودکار به خانواده ششم یا به برچسب جدایی‌طلبی منجر شود.

خطرهای اصلی و مهار آن‌ها

خطر این خانواده، نخبه گرایی، تکثر بی‌پایان، ضعف سازمانی و تبدیل اختلاف‌های کوچک به انشعاب است. برای مهار آن، انتخابات مقدماتی، حداقل عضویت قابل اثبات، قراردادهای ائتلافی چهارساله و ادغام دبیرخانه‌های پارلمانی پیشنهاد می‌شود.

۳-۶. خانواده سوم: سوسیال‌دموکرات‌ها

تعریف کوتاه

سوسیال‌دموکراسی می‌کوشد اقتصاد بازار را با قدرت اتحادیه‌ها، خدمات عمومی، مالیات تصاعدی، بیمه اجتماعی و فرصت برابر سازگار کند. این خانواده، برخلاف چپ انقلابی، اصلاحات تدریجی و مالکیت مختلط را می‌پذیرد و برخلاف لیبرالیسم بازار، بر نابرابری و قدرت ساختاری سرمایه تمرکز بیشتری دارد.

پایه‌های برنامه‌ای

- سلامت و آموزش همگانی با امکان ارائه غیردولتی تنظیم شده؛
- اتحادیه‌های مستقل، مذاکره جمعی، حداقل دستمزد و بیمه بیکاری؛
- مالیات تصاعدی، مبارزه با فقر کودک و سیاست فعال مسکن؛
- اقتصاد مختلط، بنگاه‌های خصوصی، تعاونی و عمومی با رقابت و حسابرسی؛
- برابری جنسیتی، حقوق اقلیت‌ها و سکولاریسم؛
- تمرکززدایی و توزیع عادلانه درآمد منابع طبیعی.

تشکل‌های نزدیک یا قابل جذب

حزب چپ ایران (فداییان خلق) در برنامه علنی خود از جمهوری مدرن، دموکراتیک و سکولار دفاع می‌کند و بخش اصلاح طلب تر آن می‌تواند در خانواده سوسیال‌دموکرات قرار گیرد؛ بخشی دیگر ممکن است خانواده چهارم را ترجیح دهد. حزب سوسیال‌دموکرات و لائیک ایران نیز به این خانواده نزدیک است. حزب دموکرات کردستان ایران خود را دموکراتیک سوسیالیست معرفی می‌کند و کومله حزب کردستان ایران، به رهبری جریان عبدالله مهتدی، خود را سوسیال‌دموکرات و مدافع ایران آزاد، فدرال و سکولار می‌داند. [۲۰-۲۲]

حزب ندای ایرانیان، حزب اسلامی کار و خانه کارگر، و برخی گرایش‌های عدالت‌محور در اصلاح طلبی، تنها پس از سکولارشدن کامل، استقلال از دولت و اثبات دموکراسی درون سازمانی می‌توانند به این خانواده بپیوندند. حزب ایران و بخش‌هایی از سنت ملی - مصدقی نیز ممکن است، بر اساس برنامه اقتصادی، میان خانواده دوم و سوم تقسیم شوند.

خطرهای اصلی و مهار آن‌ها

خطر سوسیال دموکراسی ایرانی، بازگشت به دولت نفتی توزیع کننده، گسترش استخدام سیاسی و تبدیل اتحادیه‌ها به بازوی حزب است. استقلال بانک مرکزی، بودجه شفاف، اتحادیه‌های چندگانه، منع مالکیت حزبی بنگاه‌ها و ارزیابی هزینه سیاست‌های رفاهی برای جلوگیری از این انحراف ضروری است.

۴-۶. خانواده چهارم: چپ دموکراتیک و سوسیالیست

تعریف کوتاه

این خانواده به دموکراسی اقتصادی، مالکیت عمومی یا تعاونی در بخش‌های راهبردی، کاهش نابرابری ساختاری، حقوق گسترده کار و نقد سرمایه‌داری گرایش دارد. شرط صفت «دموکراتیک» آن است که حزب پیشاهنگ، دیگاتوری پرولتاریا، وابستگی خارجی و حذف بورژوا یا دین‌دار را کنار بگذارد.

تشکل‌های نزدیک یا مشروط

حزب توده ایران، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت و اقلیت و دیگر شاخه‌ها)، سازمان اتحاد فدائیان خلق، سازمان رنجبران، حزب کار ایران (توفان)، حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) و دیگر سازمان‌های مارکسیستی در این خانواده جای نظری دارند؛ اما وضعیت ثبت آنان به برنامه و رفتار کنونی هر شاخه بستگی دارد. ورود کامل این جریان‌ها مستلزم پذیرش بی‌قید و شرط انتخابات چندحزبی، مالکیت خصوصی در چارچوب قانون، آزادی دین و بی‌دینی، استقلال از دولت‌های خارجی، افشای اسناد مالی و رد هر نوع نیروی مسلح حزبی است. سازمان‌هایی که هنوز «انقلاب قهرآمیز»، حزب واحد، تصفیه طبقاتی یا رهبری غیرقابل عزل را اصل می‌دانند، در وضعیت پذیرش مشروط یا ناسازگار باقی می‌مانند.

کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و پژاک به دلیل پیوند تاریخی یا جاری با نیروی مسلح، پیش از هر طبقه‌بندی نهایی باید مسیر خلع سلاح، تبدیل به حزب مدنی، حسابرسی فرماندهی و پاسخ‌گویی درباره نقض‌های احتمالی را طی کنند. جای ایدئولوژیک آنان می‌تواند خانواده چهارم باشد، اما جای حقوق آنان تابع دروازه دموکراتیک است.

خطرهای اصلی و مهار آن‌ها

خطر این خانواده، بازتولید اقتدارگرایی با واژگان برابری، توجیه خشونت، بی‌اعتمادی به تکثر و تکرار وابستگی‌های ژئوپولیتیک گذشته است. تضمین حق مالکیت، دادگاه مستقل، منشور حقوق مخالفان، محدودیت مصادره و ممنوعیت شاخه نظامی، خطوط مهار ضروری‌اند.

۵-۶. خانواده پنجم: سبزها و زیست‌بوم گرایان

تعریف کوتاه

بحران آب، فرونشست زمین، آلودگی هوا، بیابان‌زایی، تخریب جنگل‌ها و وابستگی به سوخت فسیلی، محیط زیست را از موضوعی فرعی به مسئله امنیت ملی ایران تبدیل کرده است. خانواده سبز باید عدالت زیست‌محیطی و نسلی را به هسته بودجه، انرژی، کشاورزی و اداره استان‌ها وارد کند.

تشکل‌های نزدیک یا قابل جذب

حزب سبزهای ایران روشن‌ترین تشکل موجود این خانواده است و در برنامه خود حفاظت از محیط زیست، دسترسی عمومی به اطلاعات زیست‌محیطی، مسئولیت شرکت‌ها، اقتصاد سازگار با اکوسیستم و دموکراسی را مطرح می‌کند. [۲۳] شبکه‌های فعالان آب، جنگل، حیات وحش، سلامت محیط و انرژی نیز می‌توانند پس از تشکیل ساختار حزبی یا ائتلاف انتخاباتی به این خانواده بپیوندند.

نباید «جنبش سبز» سال ۱۳۸۸ یا تشکل‌هایی را که فقط واژه سبز در نام دارند، خود کار در این خانواده قرار داد. جنبش سبز در اصل جنبش انتخاباتی و حقوق شهروندی بود؛ اعضای آن، بسته به برنامه اقتصادی و اجتماعی، می‌توانند در خانواده دوم، سوم، پنجم یا هفتم جای گیرند.

بسته سیاستی پیشنهادی

- وزارتخانه مستقل اقلیم و منابع طبیعی با داده‌های عمومی؛
- بودجه‌بندی آب در سطح حوضه‌های آبریز، نه مرزهای سیاسی صرف؛
- قیمت‌گذاری تدریجی انرژی همراه با جبران برای خانوارهای کم‌درآمد؛
- گذار از نفت به صندوق نسل‌ها، انرژی‌های تجدیدپذیر و حمل‌ونقل عمومی؛
- دادگاه تخصصی محیط زیست و مسئولیت مدنی و کیفری آلاینده‌ها؛
- حق استان‌ها و جوامع محلی در تصمیم‌گیری درباره معدن، سد و انتقال آب.

خطرهای اصلی و مهار آن‌ها

خطر این خانواده، تک‌موضوعی شدن، سیاست‌های پرهزینه بدون حمایت اجتماعی و استفاده ابزاری از محیط زیست علیه توسعه مناطق محروم است. «گذار عادلانه» باید هزینه تغییر انرژی را میان دولت، صنعت و مصرف‌کننده به‌صورت منصفانه تقسیم کند.

۶-۶. خانواده ششم: ملی‌گرایان دموکرات و محافظه‌کاران هویتی

تعریف کوتاه

این خانواده بر حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت، زبان و نمادهای مشترک، حافظه تاریخی و انسجام اجتماعی تأکید می‌کند. تفاوت بنیادین آن با ملی‌گرایی اقتدارگرا در صفت «دموکرات» است: ملت باید یک اجتماع شهروندی برابر باشد، نه سلسله‌مراتب قومی، دینی یا تباری.

تشکل‌های نزدیک یا قابل جذب

حزب پان‌ایرانیست، حزب ملت ایران و گرایش‌های ملی‌محور در حزب مشروطه، ایران نوین و برخی تشکل‌های نوپدید محافظه‌کار، نزدیک‌ترین نامزدهای این خانواده‌اند. بخش‌هایی از جمعیت یگنا، جامعه اسلامی مهندسين، پیشرفت و عدالت و دیگر محافظه‌کاران درون نظام نیز فقط پس از گسست کامل از ولایت فقیه، پذیرش سکولاریسم و پاسخ‌گویی درباره مشارکت در ساختار سرکوب، امکان ورود دارند.

برخی احزاب منطقه‌ای که هویت ملی یا قومی را هسته برنامه خود می‌دانند، ممکن است بال منطقه‌ای این خانواده را انتخاب کنند؛ اما این امر فقط زمانی پذیرفتنی است که برتری قومی، نفرت‌پراکنی، اخراج جمعیت‌ها، تغییر مرز با زور و نیروی مسلح مستقل را رد کنند. یک ملی‌گرای ایرانی و یک ملی‌گرای کردی یا آذربایجانی می‌توانند در پارلمان رقیب باشند، مشروط بر آنکه هر دو حقوق برابر شهروندان و قواعد مشترک کشور را بپذیرند.

مرز ملی‌گرایی مدنی و اقتدارگرایی

موضوع	ملی‌گرایی دموکراتیک	لغزش اقتدارگراییانه
ملت	جامعه شهروندان برابر	قوم، مذهب یا تبار برتر
تمامیت ارضی	حفظ مرز با رضایت، حقوق محلی و قانون	توجیه سرکوب هر مطالبه محلی
زبان فارسی	زبان مشترک ملی همراه با حقوق زبان‌های دیگر	ممنوعیت یا تحقیر زبان‌های محلی
امنیت	پلیس و ارتش حرفه‌ای زیر نظارت غیرنظامی	میلیشیا، پلیس سیاسی و مصونیت امنیتی

موضوع	ملی گرایی دموکراتیک	لغزش اقتدارگرایانه
تاریخ	حافظه انتقادی و چندصدایی	تقدیس رهبر، خاندان یا دوره تاریخی
مهاجرت و اقلیت‌ها	قانون واحد و ادغام مدنی	طرد، تبعیض یا نفرت‌پراکنی

خطرهای اصلی و مهار آن‌ها

خطر این خانواده، تبدیل وطن‌دوستی به طرد، یکسان‌سازی فرهنگی، رهبرپرستی یا امنیتی کردن سیاست است. جرم‌انگاری نفرت و خشونت، تضمین حقوق زبان‌ها، نظارت پارلمانی بر امنیت و ممنوعیت نمادهای سازمان‌های سرکوبگر برای تبلیغ سیاسی، از ابزارهای مهارند.

۶-۷. خانواده هفتم: دین‌باوران دموکرات یا مسلمان‌دموکرات‌ها

تعریف کوتاه

همان‌گونه که احزاب دموکرات مسیحی اروپا از اخلاق دینی الهام می‌گیرند ولی قانون اساسی سکولار و حقوق برابر را می‌پذیرند، دین‌باوران ایرانی نیز می‌توانند از اسلام، تشیع، تسنن یا دیگر سنت‌های دینی برای سیاست اجتماعی الهام بگیرند؛ اما حق ندارند شریعت، روحانیت یا «امت» را بر رأی و حقوق شهروندان مسلط کنند.

معیار تمایز دین‌باوری دموکراتیک از اسلام‌گرایی

- قانون از پارلمان منتخب و حقوق بنیادین می‌آید، نه از فقیه یا شورای مذهبی؛
- حجاب، عبادت، تغییر دین، بی‌دینی و سبک زندگی در قلمرو آزادی فردی‌اند؛
- هیچ منصب عمومی برای روحانیان یا پیروان یک مذهب رزرو نمی‌شود؛
- حزب دینی حق دارد ارزش‌های خود را تبلیغ کند، اما حق تحمیل مناسک و مجازات دینی ندارد؛
- زنان و اقلیت‌های دینی می‌توانند رهبر حزب، نخست‌وزیر، قاضی یا رئیس کشور شوند؛
- حزب شکست انتخاباتی، نقد دین و خروج اعضا را بدون تهدید می‌پذیرد.

تشکل‌های نزدیک یا مشروط

نهضت آزادی ایران، نیروهای ملی - مذهبی و جنبش مسلمانان مبارز، به دلیل پیوند میان ایمان، ملی‌گرایی، آزادی‌های اساسی و نقد استبداد، نامزدهای اصلی این خانواده‌اند؛ با این شرط که سکولاریسم حقوقی، برابری کامل جنسیتی و آزادی بی‌دینی را صریح و بی‌ابهام بپذیرند. این شرط به معنای ترک ایمان نیست؛ به معنای کنار گذاشتن امتیاز حقوق ایمان است.

جمع روحانیون مبارز، مجمع محققین و مدرسین حوزه قم، حزب اعتماد ملی، حزب اسلامی کار، حزب اتحاد ملت و انجمن‌های اسلامی حرفه‌ای ممکن است پس از تحول بنیادین به این خانواده یا خانواده‌های دوم و سوم منتقل شوند. احزاب محافظه کار مذهبی مانند جامعه روحانیت مبارز و مؤتلفه اسلامی تا زمانی که ولایت فقیه، تبعیض شرعی یا نظارت استصوابی را مشروع می‌دانند، با دروازه دموکراتیک سازگار نیستند.

خطرهای اصلی و مهار آن‌ها

خطر محوری، «دموکراسی یک بار مصرف» است: استفاده از انتخابات برای بازگرداندن برتری دینی. منشور تغییرناپذیر حقوق بنیادین، دادگاه قانون اساسی، منع پلیس دینی، حق خروج از دین و آموزش عمومی غیرمذهبی، سدهای لازم‌اند. دین می‌تواند در جامعه مدنی آزاد باشد؛ دولت باید نسبت به ایمان و بی‌ایمانی بی‌طرف بماند.

۶-۸. پرونده‌های خاص و دشوار

الف) سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت

شورای ملی مقاومت در برنامه ده ماده‌ای خود از جمهوری سکولار، انتخابات آزاد، برابری جنسیتی و لغو مجازات اعدام سخن می‌گوید. [۲۴] با این حال، سابقه مبارزه مسلحانه، ساختار بسیار متمرکز رهبری و گزارش‌های مستقل درباره نقض حقوق اعضا، مانع طبقه‌بندی ساده آن به عنوان یک حزب لیبرال یا سوسیال دموکرات است. [۲۵] راه حل دموکراتیک نه ممنوعیت دائمی هواداران و نه پذیرش بی‌قید و شرط سازمان است؛ بلکه حساسیتی مستقل حقوق بشری و مالی، خلع سلاح کامل، انتخابات آزاد درون سازمانی، محدودیت دوره رهبری و آزادی خروج اعضاست. پس از آن، برنامه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند خانواده مناسب را تعیین کند.

ب) احزاب و شبکه‌های سخت گیر درون جمهوری اسلامی

جبهه پایداری، جامعه روحانیت مبارز، مؤتلفه اسلامی، جمعیت ایثارگران، جمعیت رهپویان و دیگر شبکه‌هایی که ولایت فقیه، گزینش عقیدتی یا امتیازهای شرعی را جزء هویت خود می‌دانند، در شکل کنونی عضو هیچ خانواده دموکراتیک نیستند. اعضای حقیقی آنان حق فعالیت فردی دارند، اما ثبت سازمانی مستلزم اساسنامه جدید، قطع رابطه با نهادهای سرکوب، افشای دارایی و پذیرش برابری کامل است. مسئولیت کیفری نیز فردی است و نباید به مجازات جمعی هواداران تبدیل شود.

ج) سازمان‌های مسلح منطقه‌ای یا جدایی طلب

پژاک، حزب آزادی کردستان، خبات و سازمان‌های مسلح بلوچ یا عرب، صرف نظر از ادعاهای سیاسی، تا زمان خلع سلاح و تبدیل واقعی به حزب مدنی نمی‌توانند بودجه عمومی، کرسی پارلمانی یا شاخه امنیتی داشته باشند. احزاب کرد دارای

پیشمرگه نیز باید در یک برنامه بین‌المللی خلع سلاح، ادغام و بازپذیری شرکت کنند. دفاع از حقوق قومی یا فدرالیسم مشروع است؛ انحصار سلاح برای حزب مشروع نیست. [۲۷]

د) گروه‌های سلطنت طلب خشونت گرا یا رهبرمحور

مشروطه‌خواهی دموکراتیک باید از سازمان‌هایی که تهدید، انتقام، تقدیس ساواک، حکومت نظامی نامحدود یا حذف جمهوری‌خواهان را تبلیغ می‌کند فاصله حقوق و سیاسی روشن بگیرد. پادشاهی مشروطه دقیقاً زمانی معتبر است که پادشاه و هوادارانش محدودیت قانون، حق نقد تاریخ پهلوی و امکان رأی مردم به جمهوری را بپذیرند.

ه) جنبش‌های فراگیر، نه احزاب آماده

جنبش زن، زندگی، آزادی؛ جنبش سبز؛ جنبش شیر و خورشید؛ شبکه‌های دادخواهی؛ انجمن‌های صنفی؛ شوراهای دانشجویی و شبکه‌های اعتصاب، منابع مشروعیت و بسیج اجتماعی‌اند، اما نباید بدون انتخابات داخلی به عنوان «نماینده قطعی مردم» سهم دائمی قدرت بگیرند. آنان می‌توانند ناظر گذار، شریک تدوین منشور یا خاستگاه احزاب جدید باشند.

۷. احزاب منطقه‌ای، فدرالیسم و محورهای متقاطع

۷-۱. چرا «احزاب قومی» نباید خانواده هشتم باشند؟

کرد، بلوچ، عرب، ترک آذربایجانی، ترکمن، لر، بختیاری، قشقایی، گیلک، مازندرانی و دیگر هویت‌های ایرانی، دیدگاه اقتصادی و اجتماعی واحد ندارند. همان گونه که همه فارس‌زبانان یک حزب نیستند، همه کردها یا بلوچ‌ها نیز یک برنامه ندارند. ساختن یک خانواده مستقل با عنوان «احزاب قومی» آنان را در حاشیه دائمی قرار می‌دهد و رقابت واقعی درون هر منطقه را پنهان می‌کند.

راه درست، ثبت دو دسته متغیر است: نخست خانواده برنامه‌ای حزب؛ دوم موضع آن درباره اداره سرزمین. برای نمونه، حزب دموکرات کردستان ایران می‌تواند سوسیال‌دموکرات و فدرالیست باشد؛ حزب مردم بلوچستان می‌تواند لیبرال - میانه و فدرالیست باشد؛ یک حزب آذربایجانی می‌تواند ملی‌گرای دموکرات و تمرکززدا باشد؛ و یک حزب محیط‌زیستی خوزستان می‌تواند سبز و منطقه‌گرا باشد. فدرالیسم، خودگردانی یا تمرکززدایی «محور متقاطع» است، نه ایدئولوژی کامل.

تشکل نمونه	هویت و برنامه علنی	خانواده مقدماتی	وضعیت دموکراتیک
حزب دموکرات کردستان ایران	دموکراتیک سوسیالیست؛ سکولار؛ فدرال	۳ - سوسیال‌دموکرات	قابل ثبت پس از خلع سلاح/تفکیک کامل شاخه نظامی
کومله حزب کردستان ایران	سوسیال‌دموکرات؛ سکولار؛ فدرال	۳ - سوسیال‌دموکرات	پذیرش مشروط به خلع سلاح و حساسیتی

تشکل نمونه	هویت و برنامه علی	خانواده مقدماتی	وضعیت دموکراتیک
کومله - سازمان کردستان حزب کونیست ایران	مارکسیست؛ فدرال/خودگردان	۴ - چپ دموکراتیک	پذیرش مشروط به تحول مدنی
حزب مردم بلوچستان	حقوق ملی/منطقه‌ای؛ سکولار؛ فدرال	۲ - لیبرال - میانه	قابل ثبت مشروط به برنامه به‌روز و عدم خشونت
حزب تضامن دموکراتیک اهواز	جامعه مدنی، حقوق عرب‌ها و فدرالیسم در ایران	۲ یا ۳	قابل ثبت مشروط به شفافیت و حفظ مرزها
جنبش ملی بیداری آذربایجان جنوبی	هویت آذربایجانی و خودگردانی/ملی‌گرایی	۶ یا ۲	نیازمند بررسی دقیق موضع درباره مرز و عدم خشونت
سازمان‌های ترکمن صحرا	حقوق زبانی و محلی؛ طیف چپ تا ملی	۲، ۳ یا ۶	طبقه‌بندی بر اساس برنامه هر شاخه
حزب متحد لرستان و بختیاری	هویت منطقه‌ای و فدرالیسم	۲ یا ۶	اطلاعات برنامه‌ای ناکافی؛ ثبت موقت
پژاک	چپ/کنفدرالیسم دموکراتیک؛ نیروی مسلح	۴ از نظر نظری	فعالاً فاقد شرایط ثبت تا خلع سلاح کامل
حزب آزادی کردستان و خبات	ملی‌گرایی کردی؛ سابقه یا ساختار مسلح	۶ یا ۳	پذیرش مشروط به خلع سلاح و تحول درون‌حزبی

جدول فوق نمونه روش است و جای داوری قضایی یا گفت‌وگو با خود تشکلی‌ها را نمی‌گیرد. در پیوست، فهرست گسترده‌تری آمده است.

۷-۲. بسته حقوقی برای تنوع ملی، قومی و زبانی

- فارسی زبان مشترک نهادهای ملی باشد، در کنار حق آموزش، رسانه، نشر و خدمات محلی به زبان‌های دیگر ایران؛
- استان‌ها اختیار قانونی و مالی واقعی در آموزش محلی، فرهنگ، سلامت، حمل‌ونقل، محیط زیست و توسعه منطقه‌ای داشته باشند؛
- استانداران و شوراهای منطقه‌ای انتخابی باشند و بودجه آنان با فرمول شفاف جمعیت، محرومیت، تولید و محیط زیست تعیین شود؛
- منابع نفت، گاز، معدن و آب دارای عمومی کشورند، اما مناطق تولیدکننده سهم قانونی از درآمد و جبران خسارت زیست‌محیطی داشته باشند؛
- تغییر مرز استان‌ها، ایجاد منطقه خودگردان یا حرکت به فدرالیسم فقط با قانون ملی، مشورت محلی و همه‌پرسی‌های ضابطه‌مند ممکن باشد؛
- هیچ حزب سراسری حق ندارد شاخه‌های محلی را صرفاً ابزار تبلیغاتی کند؛ و هیچ حزب منطقه‌ای حق ندارد شهروندان غیرهم‌هویت را درجه دوم بداند.

۳-۷. شورای استان‌ها به عنوان بیه وحدت و تنوع

در کنار مجلس ملی، می‌توان شورایی از استان‌ها یا مناطق ایجاد کرد که اعضای آن با رأی مستقیم یا از سوی مجالس استانی انتخاب شوند. این شورا نباید دولت دوم بسازد، اما می‌تواند درباره زبان، مرزهای اداری، تقسیم منابع، محیط زیست و اختیارات محلی حق تأخیر و بازبینی داشته باشد. برای عبور از وتوی آن، اکثریت تقویت شده مجلس ملی یا سازوکار مصالحه مشترک لازم باشد. چنین نهادی وحدت را از راه مشارکت تقویت می‌کند، نه از راه تمرکز اجباری.

۴-۷. خلع سلاح، ادغام و بازپذیری

گذار دموکراتیک نمی‌تواند وجود هم‌زمان ارتش ملی، سپاه ایدئولوژیک، بسیج، پیشمرگه حزبی و گروه‌های مسلح منطقه‌ای را تحمل کند. یک برنامه ملی «خلع سلاح، انحلال یا ادغام و بازپذیری» باید شامل ثبت سلاح، آتش‌بس، نظارت بین‌المللی محدود، غربالگری حقوق بشری، آموزش حرفه‌ای و فرصت شغلی برای نیروهای رده پایین باشد. فرماندهان متهم به جنایت باید در دادگاه مستقل محاکمه شوند؛ عضویت ساده، بدون ارتکاب جرم، نباید خودکار مجازات شود.

۸. شاهزاده رضا پهلوی، رهبری گذار و مهار نهادی قدرت

۸-۱. سرمایه سیاسی واقعی و حدود آن

شاهزاده رضا پهلوی در میان چهره‌های فردی اپوزیسیون، از بیشترین شناخته‌شدگی و سرمایه نمادین برخوردار است. نام خانوادگی او به تجربه دولت مدرن، خاطره رشد و ثبات پیش از انقلاب، پرچم شیر و خورشید و آرزوی بازگشت ایران به جامعه بین‌المللی پیوند خورده است. وب‌سایت رسمی او هدف را تشکیل حکومتی ملی، دموکراتیک و انتخابی و دفاع از ایران سکولار معرفی می‌کند. [۱۵] پیمایش گمان نیز او را در پرسش مربوط به چهره‌های سیاسی، بالاتر از دیگر نام‌های منفرد قرار می‌دهد، هرچند حمایت اعلام شده به اکثریت مطلق نمی‌رسد. [۱۴]

این سرمایه، به‌ویژه در لحظه بحران، می‌تواند هزینه هماهنگی را کاهش دهد و برای جلب توجه دیپلماتیک، اعتماد بخشی از نیروهای نظامی و ایجاد زبان ملی مشترک مفید باشد. اما سرمایه نمادین جایگزین حزب، شبکه محلی، اتحادیه، شورا و سازوکار پاسخ‌گویی نیست. گزارش تحقیقی رویترز در ژوئیه ۲۰۲۶، ضمن تأیید جایگاه بسیار شناخته‌شده او، بر دشواری‌های ائتلاف‌سازی، ضعف پشتوانه سازمانی و انتقادهای مربوط به رفتار برخی هواداران تمرکز کرده است. [۱۶]

ارزیابی علمی باید هر دو سوی واقعیت را هم‌زمان ببیند.

۸-۲. از «رهبر بلا منازع» به «هماهنگ کننده پاسخ گو»

پیشنهاد نهادی

رضا پهلوی می تواند ریاست یا هماهنگی یک شورای جمعی گذار را برای دوره ای ثابت و کوتاه بر عهده گیرد؛ اما اختیارات او باید در اعلامیه قانون اساسی موقت، مصوبات علنی شورا، نظارت دادگاه و نهاد مستقل انتخابات محدود شود. نقش او باید «پل» به رأی مردم باشد، نه تعیین کننده مقصد.

بهترین دفاع از نقش او، بزرگ کردن قدرت شخصی نیست؛ تبدیل محبوبیت به نهاد است. رهبری گذار باید بتواند تصمیم بگیرد، اما تصمیمش قابل بازبینی باشد؛ بتواند نمایندگی نمادین کند، اما نتواند قانون، قاضی، رسانه و صندوق رأی را در اختیار بگیرد. این مدل هم نگرانی جمهوری خواهان و چپ دموکرات را کاهش می دهد و هم به مشروطه خواهان نشان می دهد که پادشاهی پیشنهادی واقعاً مشروطه و پارلمانی است.

۸-۳. معماری پیشنهادی شورای گذار

جزء	قاعده پیشنهادی
ترکیب	۱۵ تا ۲۱ عضو؛ نمایندگان هفت خانواده، شبکه های داخل کشور، زنان، جوانان، کار و حرفه ها، دادخواهان و استان ها
رئیس هماهنگ کننده	رضا پهلوی یا فرد منتخب شورا؛ مسئول نمایندگی ملی و هماهنگی، نه صاحب اختیار مطلق
دوره	۱۸ ماه؛ فقط یک تمدید شش ماهه با رأی دوسوم شورا و نظارت دادگاه موقت
تصمیم گیری	اکثریت عادی برای اداره؛ دوسوم برای امنیت، انتخابات، انتصاب قضات موقت و تغییر اعلامیه انتقالی
قوه مجریه موقت	کابینه تخصصی و محدود؛ وزرا با رأی شورا و گزارش ماهانه عمومی
امنیت	شورای امنیت مدنی - نظامی زیر نظارت جمعی؛ منع فرماندهی شخصی یا حزبی بر نیروها
انتخابات	کمیسیون مستقل با اعضای غیرنامزد، بودجه مصون و حضور ناظران داخلی و بین المللی
تعارض منافع	اعلام دارایی، منع قرارداد خانوادگی، ثبت کمک ها و منع پول پنهان دولت های خارجی
پایان مأموریت	با تشکیل مجلس منتخب و دولت قانونی؛ هیچ تمدید خود کاری «وضعیت اضطراری دائمی» مجاز نیست

۸-۴. بی طرفی در همه‌پرسی پادشاهی یا جمهوری

رضا پهلوی حق دارد دیدگاه شخصی خود درباره پادشاهی مشروطه را بیان کند، همان‌گونه که جمهوری خواهان حق تبلیغ جمهوری را دارند. اما اگر هم‌زمان رئیس شورای گذار باشد، منابع دولت، رسانه عمومی، نیروهای امنیتی و بودجه انتقالی نباید در خدمت یکی از دو گزینه قرار گیرد. راه عملی آن است که با آغاز رسمی کارزار همه‌پرسی، اداره روزانه به یک نخست‌وزیر موقت بی‌طرف سپرده شود و رئیس شورا فقط وظایف تشریفاتی و تضمینی انجام دهد؛ یا در صورت مشارکت فعال در کارزار، از مقام اجرایی کناره گیرد.

همه‌پرسی نیز نباید پرسش مبهم «شاه یا جمهوری؟» باشد. دو متن کامل قانون اساسی باید پیشاپیش منتشر شود؛ حقوق بنیادین، اختیارات دولت و نظام پارلمانی در هر دو یکسان باشد و تفاوت اصلی در شیوه انتخاب یا وراثتی بودن رئیس کشور تشریفاتی، قواعد جانشینی و پاسخ‌گویی نهاد ریاست کشور خلاصه شود.

۸-۵. معیار موفقیت تاریخی رضا پهلوی

گزاره هنجاری نویسنده

بزرگ‌ترین خدمت احتمالی رضا پهلوی به پادشاهی مشروطه آن است که محدودیت‌های آن را پیش از رسیدن به قدرت بپذیرد؛ و بزرگ‌ترین خدمت او به ایران آن است که حتی در صورت رأی مردم به جمهوری، انتقال قدرت را با همان جدیت تضمین کند.

۹. طراحی پارلمان، نظام انتخاباتی و دو شکل دولت

۹-۱. مجلس ملی تناسبی و فراگیر

برای نخستین دوره‌های دموکراسی، نظام تناسبی از نظام اکثریتی مناسب‌تر است، زیرا تکثر واقعی ایران را به کرسی تبدیل می‌کند و مانع می‌شود یک جریان با اقلیت آرا اکثریت مطلق کرسی‌ها به دست آورد. الگوی زیر نمونه‌ای قابل بحث است، نه عدد نهایی قانون اساسی:

عنصر	پیشنهاد
اندازه مجلس	حدود ۴۰۰ تا ۴۵۰ کرسی، متناسب با جمعیت و نیاز به نمایندگی استان‌ها
نوع رأی	فهرست باز یا انعطاف‌پذیر؛ رأی‌دهنده هم حزب و هم نامزد ترجیحی را انتخاب کند

عنصر	پیشنهاد
آستانه ملی	۴ درصد آرای معتبر کشور برای ورود عمومی
مسیر منطقه‌ای	۸ تا ۱۰ درصد در یک استان یا کسب سهمیه طبیعی یک حوزه برای احزاب منطقه‌ای
کرسی‌های تعدیلی	۱۰ تا ۱۵ درصد کل کرسی‌ها برای اصلاح عدم تناسب ملی
روش توزیع	روش تعدیل شده سنت لاگه یا روش مشابه با کمترین سوگیری به احزاب بزرگ
نامزد مستقل	امکان انتخاب در حوزه‌های چندنماینده با نصاب روشن؛ پس از انتخاب حق پیوستن به فراکسیون
برابری جنسیتی	فهرست‌ها به گونه‌ای تنظیم شوند که هیچ جنس کمتر از ۴۰ درصد نامزدهای دارای شانس نباشد
رأی ایرانیان خارج	رأی پستی/کنسولی امن و حوزه‌های محدود خارج کشور؛ سهمیه دائمی فقط پس از ارزیابی دو دوره
مدت دوره	چهار سال؛ امکان انتخابات زودرس با قواعد محدود و روشن

آستانه ۴ درصد و منطق کرسی‌های تعدیلی از تجربه سوئد الهام گرفته‌اند؛ آستانه منطقه‌ای پایین‌تر از ۱۲ درصد سوئد پیشنهاد شده تا تنوع جغرافیایی ایران بهتر نمایندگی شود. [۱۰]

۹-۲. فراکسیون‌های پارلمانی، نه انحصار هفت گانه

قانون باید تشکیل حزب را آزاد بگذارد. هفت خانواده پیشنهادی می‌توانند برای دریافت دبیرخانه مشترک، زمان سخنرانی، عضویت در هیئت‌رئیس و مذاکره دولت به عنوان «فراکسیون رسمی» ثبت شوند. برای نمونه، حداقل پنج درصد نمایندگان یا ائتلاف سه حزب دارای کرسی می‌تواند یک فراکسیون تشکیل دهد. اگر در آینده خانواده هشتمی مانند حزب دیجیتال، حقوق حیوانات یا منطقه گرایی نو شکل گرفت، قانون نباید مانع آن شود.

اعضای یک فراکسیون در امور اعتماد به دولت، بودجه و برنامه مشترک تعهد دارند، اما در مسائل وجدانی یا محلی می‌توانند رأی آزاد داشته باشند. قرارداد فراکسیون باید عمومی باشد تا رأی‌دهنده بداند کدام اختلاف‌ها حفظ و کدام سیاست‌ها مشترک شده است.

۹-۳. دولت پارلمانی و رأی عدم اعتماد سازنده

نخست‌وزیر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و دولت در برابر مجلس پاسخ‌گو باشد. برای جلوگیری از بی‌ثباتی، برکناری نخست‌وزیر فقط با «رأی عدم اعتماد سازنده» ممکن باشد؛ یعنی مخالفان هم‌زمان جانشین و اکثریت جدید را معرفی کنند.

رئیس کشور، چه پادشاه و چه رئیس‌جمهور، صرفاً انتصاب رسمی فردی را انجام می‌دهد که اکثریت پارلمانی معرفی کرده است.

۹-۴. دو ماژول هم‌ارز برای ریاست کشور

موضوع	پادشاهی مشروطه	جمهوری پارلمانی
منبع جایگاه	وراثة طبق قانون اساسی و قواعد جانشینی برابر	انتخاب توسط پارلمان یا رأی عمومی برای دوره محدود
اختیار سیاسی	هیچ اختیار مستقل؛ همه اعمال با امضای مسئول سیاسی	هیچ اختیار مستقل؛ وظایف محدود و فهرست شده
نقش	نماد تداوم، افتتاح مجلس، تشریفات و نمایندگی غیرحزبی	نماد قانون اساسی، تشریفات و میانجی‌گری محدود
بودجه	بودجه مصوب مجلس، حساسی عمومی و منع فعالیت اقتصادی پنهان	بودجه مصوب مجلس و حساسی عمومی
بی‌طرفی	منع عضویت حزبی، تبلیغ انتخاباتی و مداخله در دولت	تعلیق یا منع عضویت حزبی در دوره ریاست
برگزاری/نا‌توانی	شورای نیابت و امکان سلب وظیفه طبق رأی دادگاه و مجلس	استیضاح محدود برای نقض قانون؛ جانشینی روشن
مشروعیت دولت	فقط از مجلس منتخب	فقط از مجلس منتخب

اصل برابری دو بسته ضروری است: جمهوری‌خواهان نباید متنی ضعیف‌تر یا قوی‌تر از مشروطه‌خواهان عرضه کنند. مردم باید میان دو شیوه ریاست کشور انتخاب کنند، نه میان دموکراسی و اقتدارگرایی. اگر یک متن برای پادشاه اختیار سیاسی و متن دیگر برای رئیس‌جمهور مقام کاملاً نمادین تعریف کند، همه‌پرسی منصفانه نخواهد بود.

۹-۵. نهادهای نگهبان دموکراسی

- دادگاه قانون اساسی با قضات دوره‌دار و انتصاب چندمنبعی؛
- کمیسیون مستقل انتخابات و مرزبندی حوزه‌ها؛
- دیوان محاسبات و نهاد مستقل مبارزه با فساد؛
- رسانه عمومی مستقل با هیئت‌امانی چندحزبی و مدنی؛
- کمیسیون حقیقت، حافظه و جبران خسارت در کنار دادگاه‌های جرایم سنگین؛
- کمیسیون خدمات کشوری برای منع پاکسازی حزبی و استخدام شایسته‌محور؛
- بازرس کل نیروهای مسلح و کمیسیون امنیتی پارلمان با دسترسی طبقه‌بندی شده؛

- نهاد ملی حقوق بشر مطابق اصول پاریس و حق مراجعه مستقیم شهروندان.

۹-۶. قانون احزاب و پول سیاسی

قانون احزاب باید ثبت اعلامی، نه مجوز عقیدتی، داشته باشد. حزب با ارائه حداقل اعضا، اساسنامه، حساب بانکی، فهرست مدیران و تعهد به دروازه دموکراتیک ثبت می‌شود. رد ثبت فقط با حکم دادگاه و دلایل محدود ممکن است. بودجه عمومی بر پایه رأی و کرسی توزیع شود و کمک‌های خرد تشویق گردد؛ کمک شرکت‌های دولتی، نهادهای نظامی، بنیادهای مذهبی و دولت‌های خارجی ممنوع باشد. کمک خارجی آموزشی یا فنی فقط از مسیر ثبت شده و بدون کنترل سیاسی مجاز باشد.

۱۰. افکار عمومی و منطق ائتلاف سازی

۱۰-۱. آنچه داده‌ها می‌گویند و آنچه نمی‌گویند

گزارش تحلیلی گمان درباره ترجیحات سیاسی ایرانیان در سال ۲۰۲۴ بر پاسخ‌های بیش از ۷۷ هزار نفر در داخل ایران و نمونه مؤثر وزن‌دهی شده حدود ۲۰ هزار نفر استوار است. در پرسش درباره احزاب فرضی، ۳۷ درصد به حزبی با اولویت آزادی‌های فردی و حقوق بشر، ۳۳ درصد به عدالت اجتماعی و حقوق کار، و ۲۶ درصد به غرور ملی و ملی‌گرایی ایرانی گرایش نشان داده‌اند. محیط زیست ۱۰ درصد، بازار آزاد ۹ درصد، تمرکززدایی و حقوق اقلیت‌ها ۸ درصد و ارزش‌های سنتی و دینی حدود ۵ درصد جاذبه داشته‌اند. [۱۴]

این ارقام جمعاً بیش از صد می‌شوند و به معنای سهم رأی احزاب واقعی نیستند؛ پاسخ‌دهندگان می‌توانند چند اولویت هم‌زمان داشته باشند و هنوز کارزار آزاد، نامزدها و برنامه بودجه‌ای وجود ندارد. با این حال، ترکیب نتایج نشان می‌دهد که سه ستون بزرگ نظم آینده احتمالاً حقوق و آزادی، عدالت اجتماعی و هویت ملی خواهند بود. هیچ‌یک به تنهایی اکثریت پایدار نمی‌سازند.

اولویت حزب فرضی	گرایش گزارش شده	خانواده‌های محتمل
آزادی‌های فردی و حقوق بشر	۳۷٪	خانواده ۲؛ همچنین بخش‌هایی از ۱، ۳، ۵ و ۷
عدالت اجتماعی و حقوق کار	۳۳٪	خانواده ۳ و ۴؛ بال رفاهی ۲ و ۵
غرور ملی و ملی‌گرایی ایرانی	۲۶٪	خانواده ۶؛ بال ملی خانواده ۱ و ۲
محیط زیست	۱۰٪	خانواده ۵ و برنامه ائتلافی همه دولت‌ها
اقتصاد بازار آزاد	۹٪	خانواده ۱ و بال بازارگرایی ۲

اولویت حزب فرضی	گرایش گزارش شده	خانواده‌های محتمل
تمرکززدایی و حقوق اقلیت‌ها	۸٪	خانواده ۲، ۳ و احزاب منطقه‌ای
ارزش‌های سنتی و دینی	۵٪	خانواده ۷ و بال فرهنگی ۶

منبع: گزارش تحلیلی گجان، «ترجیحات سیاسی ایرانیان در ۲۰۲۴»، این جدول صرفاً ننگشت تحلیلی است و برآورد کرسی نیست. [۱۴]

۱۰-۲. شکل حکومت: نبود اکثریت قطعی، ضرورت همه‌پرسی آگاهانه

همان گزارش از پشتیبانی قابل توجه هم برای جمهوری سکولار و هم برای پادشاهی حکایت دارد، در حالی که گروه بزرگی نیز اطلاعات کافی ندارد یا شکل حکومت را نسبت به ماهیت دموکراتیک آن کم‌اهمیت‌تر می‌داند. بنابراین هیچ جریان مسئول نمی‌تواند پیش از همه‌پرسی ادعا کند «مردم قطعاً» یکی از دو شکل را انتخاب کرده‌اند. وظیفه دوران گذار افزایش اطلاعات و تضمین برابری رقابت است.

۱۰-۳. چهار ائتلاف محتمل پس از نخستین انتخابات

نام نمونه	ترکیب	محور مشترک
ائتلاف بازسازی و توسعه	۱ + ۲ + ۵؛ گاه ۶ دموکراتیک	ثبات مالی، سرمایه‌گذاری، حاکمیت قانون، محیط زیست و تمرکززدایی محدود
ائتلاف رفاه و آزادی	۲ + ۳ + ۵؛ حمایت موردی ۴	حقوق مدنی، بیمه اجتماعی، اتحادیه‌ها، مالیات تصاعدی و گذار سبز
ائتلاف وحدت ملی موقت	۱ + ۲ + ۳ + ۵ + بخش دموکراتیک ۶ و ۷	دولت محدود دو ساله برای قانون اساسی، امنیت، انتخابات و بازسازی نهادها
ائتلاف عدالت ساختاری	۳ + ۴ + ۵؛ بال چپ ۲	اصلاح مالکیت، خدمات عمومی گسترده، حقوق کار و توزیع منطقه‌ای منابع

در مرحله تأسیسی، مناسب‌ترین ائتلاف «ائتلاف قانون اساسی» است: همه خانواده‌هایی که دروازه دموکراتیک را پذیرفته‌اند، فقط برای آزادی‌ها، امنیت بی‌طرف، انتخابات، حقوق استان‌ها و پایان مأموریت گذار همکاری کنند. پس از تصویب قانون اساسی، اختلاف اقتصادی و فرهنگی باید آزادانه دولت و اپوزیسیون بسازد.

۱۰-۴. اکثریت مردم چگونه واقعاً شناخته می‌شود؟

- سرشماری و ثبت رأی‌دهندگان مستقل و به‌روز؛
- آزادی رسانه و دسترسی برابر احزاب به مناظره؛
- فعالیت آزاد در همه استان‌ها، نه فقط شبکه‌های اجتماعی و شهرهای بزرگ؛
- رأی مخفی، ناظران حزبی، شمارش قابل بازبینی و انتشار داده صندوق‌به‌صندوق؛

- پیمایش‌های علمی حضوری، تلفنی و آنلاین با روش‌های ترکیبی پس از رفع ترس امنیتی؛
- تکرار انتخابات؛ زیرا رأی مردم ثابت و ابدی نیست و دموکراسی حق تغییر نظر است.

۱۱. نقشه راه گذار و زمان‌بندی پیشنهادی

۱۱-۱. اصل راهنما: تداوم دولت، گسست از استبداد

گذار دموکراتیک نباید با فروپاشی خدمات عمومی، تجزیه زنجیره فرماندهی، نابودی اسناد یا تصرف وزارتخانه‌ها به وسیله احزاب همراه شود. میان «حکومت» و «دولت» باید فرق گذاشت: ساختار ولایت فقیه، دادگاه‌های عقیدتی، دستگاه‌های سرکوب و امتیازهای تبعیض‌آمیز باید برچیده شوند، اما بیمارستان، شهرداری، شبکه برق، بانک مرکزی، ثبت احوال، مدرسه، پلیس عادی و بدنه حرفه‌ای ادارات باید با نظارت تازه به کار ادامه دهند. ادبیات ترتیبات حکمرانی انتقالی نیز بر نقش نهادهای موقت به عنوان پل میان اقتدارگرایی و نظم فراگیر تأکید می‌کند. [۳۰]

قاعده طلایی گذار

هیچ حزب، خانواده سیاسی، فرمانده نظامی، روحانی، خاندان یا جنبش خیابانی نباید دولت را غنیمت خود بداند. مأموریت دوره انتقالی فقط حفظ حقوق و امنیت، آماده‌سازی قانون اساسی و بازگرداندن اختیار به صندوق رأی است.

۱۱-۲. مرحله پیشاگذار: از امروز تا لحظه گشایش سیاسی

- امضای «میثاق هفت خانواده» درباره حقوق بنیادین، تمامیت سرزمینی، منع انتقام، انتخابات آزاد و پایان زمان‌مند مأموریت انتقالی؛
- ایجاد دفتر مستقل ثبت و راستی‌آزمایی تشکلهای؛ هر حزب اساسنامه، رهبران، شمار اعضای قابل اثبات، منابع مالی و موضع خود درباره خشونت را منتشر کند؛
- تشکیل کارگروه‌های سایه برای اقتصاد کلان، سلامت، انرژی، آب، دادگستری، امنیت، دیپلماسی و اداره محلی؛ اعضا بر پایه تخصص انتخاب شوند، نه سهم‌خواهی حزبی؛
- تهیه فهرست قوانین تبعیض‌آمیز و نهادهایی که باید در روز نخست تعلیق، منحل یا به طور موقت بازطراحی شوند؛
- برقراری کانال‌های ارتباطی محرمانه و حقوق‌مدار با کارکنان دولت، نیروهای مسلح و انتظامی که حاضرند از دستور غیرقانونی سرپیچی و از شهروندان حفاظت کنند؛
- تهیه پروتکل حفاظت از آرشوها، زندان‌ها، مراکز هسته‌ای، تأسیسات نفت و گاز، بانک‌ها، موزه‌ها و زیرساخت دیجیتال؛

- آموزش مشترک احزاب درباره مذاکره ائتلافی، بودجه، قانون گذاری، دموکراسی درون حزبی و مدیریت اختلاف.

۱۱-۳. روز صفر تا سی: امنیت حقوق مدار و آزادی های فوری

حوزه	اقدام فوری
فرمان حقوقی موقت	تعلیق ولایت فقیه، نظارت استصوابی، دادگاه های انقلاب، پلیس دینی و همه مقررات تبعیض آمیز؛ استمرار موقت سایر قوانین تا بازبینی.
جان و امنیت	منع اعدام و شکنجه؛ دستور روشن به نیروها برای حفاظت از تجمع مسالمت آمیز؛ ثبت زنجیره فرماندهی و سلاح.
زندانیان	آزادی فوری زندانیان عقیدتی و سیاسی؛ بازبینی قضایی سریع پرونده های امنیتی؛ دسترسی خانواده و وکیل.
اطلاعات	رفع قطع اینترنت و فیلترینگ سیاسی؛ حفظ داده های دولتی؛ منع تخریب پرونده ها و اسناد نقض حقوق بشر.
رسانه عمومی	تبدیل صداوسیما به رسانه انتقالی با هیئت امنای چند گروهی؛ زمان برابر برای دیدگاه های پادشاهی، جمهوری و هفت خانواده.
خدمات عمومی	تداوم پرداخت حقوق، درمان، آموزش، سوخت، آب و برق؛ انتصاب سرپرستان حرفه ای و منع تصرف ادارات توسط گروه ها.
مرز و دیپلماسی	اعلام احترام به مرزهای بین المللی و تعهدات مشروع دولت؛ درخواست کمک فنی، نه قیمومت سیاسی.
حفاظت از اقلیت ها	استقرار واحدهای بی طرف برای حفاظت از عبادتگاه ها، محلات در معرض انتقام و مراکز فرهنگی همه گروه ها.

۱۱-۴. روز سی تا نود: ساختن اقتدار قانونی موقت

- تصویب اعلامیه قانون اساسی موقت با منشور حقوق، تفکیک قوا، حدود شورای گذار، قواعد اضطرار و تاریخ پایان مأموریت؛
- تشکیل دادگاه عالی موقت از قضات خوشنام و حقوقدانان منتخب چندمنبعی؛
- راه اندازی کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون خدمات کشوری، دیوان محاسبات انتقالی و نهاد ملی حقوق بشر؛
- تغییر مأموریت پلیس از کنترل عقیدتی به امنیت شهروندی؛ تعلیق مدیران متهم با حقوق پایه تا رسیدگی فردی؛
- ثبت موقت احزاب با روش اعلامی و انتشار عمومی اطلاعات؛ ممنوعیت شاخه مسلح، پول پنهان خارجی و استفاده از اموال دولت؛
- آغاز گفت و گوی ملی درباره تمرکززدایی، زبان ها، سهم منابع و طراحی شورای استان ها؛

- تشکیل کمیسیون حقیقت، حافظه و جبران خسارت در کنار دادستانی ویژه جرایم سنگین؛ حقیقت‌یابی جای محاکمه را نمی‌گیرد و محاکمه نیز نباید به مجازات جمعی تبدیل شود.

۱۱-۵. ماه سوم تا نهم: آزادسازی فضای حزبی و خلع سلاح سیاسی

- در این دوره باید رقابت واقعی آغاز شود، اما هنوز دولت انتقالی حق تبدیل شدن به دولت حزبی ندارد. احزاب مجازند عضوگیری، کنگره، مناظره و ائتلاف کنند؛ کابینه موقت فقط برنامه تثبیت و خدمات عمومی را اجرا می‌کند. ناظران داخلی و بین‌المللی می‌توانند کمک فنی کنند، ولی تعیین رهبر، نامزد یا متن قانون اساسی حق ایرانیان است.
- سرشماری انتخاباتی و ثبت رأی‌دهندگان با امکان اعتراض؛
- رسانه آزاد، قانون دسترسی به اطلاعات و افشای مالکیت رسانه‌ها؛
- کنگره‌های علنی هفت خانواده برای تصویب برنامه حداقلی و انتخاب هیئت مذاکره‌کننده؛
- اجرای برنامه خلع سلاح، انحلال یا ادغام نیروهای حزبی و منطقه‌ای؛
- ممیزی دارایی نهادهای نظامی، بنیادها، آستان‌ها و شرکت‌های وابسته؛ انتقال مالکیت فقط با قانون و حساسیتی؛
- انتخاب شوراهای موقت محلی یا تشکیل شوراهای مشورتی فراگیر در جاهایی که انتخابات فوری ممکن نیست؛
- دعوت از زنان، جوانان، اتحادیه‌ها، دانشگاه‌ها، دادخواهان، معلولان و گروه‌های دینی و زبانی برای مشارکت سازمان‌یافته در فرایند قانون اساسی.

۱۱-۶. ماه نهم تا پانزدهم: مجلس مؤسسان و دو متن هم‌ارز

- مجلس مؤسسان باید با رأی مستقیم و نظام تناسبی انتخاب شود و مأموریت آن محدود به تدوین قانون اساسی باشد.
- اعضای شورای گذار و کابینه موقت می‌توانند نامزد شوند، اما در صورت انتخاب باید از منصب اجرایی کناره‌گیرند تا تعارض منافع کاهش یابد. فرایند تدوین باید جلسات علنی، گزارش کارشناسی، مشورت استانی، نسخه‌های فارسی و زبان‌های رایج، و امکان نظرخواهی عمومی داشته باشد. [۳۰، ۳۴]

مرحله	قاعده
اصول پیشینی	سکولاریسم حقوقی، برابری، حقوق بشر، انتخابات آزاد، تمامیت سرزمینی، تمرکززدایی، نظارت غیرنظامی و منع حکومت مادام‌العمر.
متن مشترک	حقوق بنیادین، پارلمان، دولت، دادگستری، استان‌ها، اقتصاد عمومی، نیروهای مسلح و اصلاح قانون اساسی در هر دو گزینه یکسان.
ماژول مشروطه	پادشاه غیرسیاسی، جانشینی شفاف و برابر، بودجه حساسی شده و فقدان اختیار مستقل.

مرحله	قاعده
ماژول جمهوری	رئیس‌جمهور تشریفاتی، دوره محدود، انتخاب پارلمانی یا عمومی و فقدان اختیار مستقل.
گواهی دادگاه	دادگاه عالی موقت باید انطباق هر دو متن با اصول پیشینی و برابری فرصت را پیش از همه‌پرسی تأیید کند.
آموزش عمومی	خلاصه بی‌طرف، مناظره برابر، ماشین‌حساب نهادی و دوره کافی برای مطالعه؛ نه رأی‌گیری شتاب‌زده در فضای هیجانی.

۱۱-۷. ماه پانزدهم تا بیست و چهارم: همه‌پرسی، انتخابات و تحویل قدرت

- برگزاری همه‌پرسی شکل ریاست کشور تنها پس از انتشار دو متن کامل و گزارش مالی کارزارها؛
- تصویب نهایی متن منتخب در همه‌پرسی قانون اساسی یا، در صورت طراحی دو مرحله‌ای، رأی جداگانه به قانون اساسی مشترک؛
- برگزاری نخستین انتخابات مجلس ملی در فاصله کوتاه و ازپیش‌تعیین‌شده؛
- تشکیل دولت اکثریت یا ائتلافی، پایان کابینه انتقالی و تحویل رسمی همه حساب‌ها، قراردادها و اسناد؛
- انحلال شورای گذار با نخستین رأی اعتماد دولت؛ ادامه فقط کمیسیون‌های حقیقت، خلع سلاح و اصلاح اداری طبق قانون؛
- انتخاب یا استقرار رئیس کشور مطابق گزینه مردم، بدون اختیار مداخله در تشکیل اکثریت پارلمانی.

۱۱-۸. سال دوم تا چهارم: تثبیت دموکراسی

گذار با نخستین انتخابات پایان حقوق می‌یابد، اما تثبیت دموکراسی زمان می‌برد. اصلاح دستگاه قضایی و امنیتی، بازسازی اقتصاد، بازگشت مهاجران، احیای محیط زیست و عدالت انتقالی باید زیر نظارت دولت منتخب ادامه یابد. نخستین دولت نباید با عنوان «استثنایی» انتخابات بعدی را به تعویق اندازد. آزمون واقعی دموکراسی زمانی است که ائتلاف حاکم احتمال شکست را بپذیرد و اپوزیسیون نیز برای بازگشت از راه رأی آماده شود.

۱۲. خطرهای، نقدهای محتمل و سازوکارهای پیشگیری

۱۲-۱. نقد نخست: هفت خانواده به کارتل قدرت تبدیل می‌شوند

این نقد جدی است. اگر هفت خانواده در قانون اساسی نام برده شوند یا کرسی تضمین‌شده بگیرند، ممکن است ورود نسل تازه و احزاب نو را سد کنند. پاسخ آن است که هفت‌گانه فقط یک نقشه تحلیلی و قالب اختیاری فراکسیون باشد.

ثبت حزب، نامزدی مستقل و تشکیل فراکسیون تازه باید آزاد بماند؛ بودجه عمومی بر پایه رأی واقعی توزیع شود، نه امضای رهبران قدیمی.

۱۲-۲. نقد دوم: الگوی سوئدی با ایران بیگانه است

مقاله نه جامعه سوئد را به ایران تعمیم می‌دهد و نه برنامه احزاب سوئدی را نسخه آماده می‌داند. آنچه اقتباس می‌شود، منطق تبدیل چند حزب به فراکسیون‌های قابل مذاکره، تناسب انتخاباتی، دولت پارلمانی و ریاست کشور غیرسیاسی است. شمار کرسی‌ها، آستانه، شوراهای استانی، سیاست رفاهی و ساختار زبان‌ها باید ایرانی و مبتنی بر داده باشد.

۱۲-۳. نقد سوم: برجسته کردن رضا پهلوی به سلطنت از پیش تعیین شده می‌انجامد

این خطر زمانی واقعی می‌شود که رهبری انتقالی با تبلیغ یک گزینه، کنترل رسانه، بودجه، امنیت و فرایند همه‌پرسی را هم‌زمان در اختیار داشته باشد. راه‌حل، انکار سرمایه سیاسی رضا پهلوی نیست؛ تفکیک نقش‌هاست. ریاست محدود شورای گذار، بی‌طرفی نهادی، نگاره‌گیری از مقام اجرایی هنگام کارزار، دو متن هم‌ارز و داوری مستقل، هم نقش او را واقعی می‌کند و هم حق جمهوری‌خواهان را حفظ می‌نماید.

۱۲-۴. نقد چهارم: سکولاریسم به حذف دین‌داران تبدیل می‌شود

سکولاریسم حقوقی این مقاله ضد دین نیست. دین‌دار حق حزب، رسانه، مدرسه غیردولتی مطابق استاندارد عمومی و تبلیغ ارزش‌های خود را دارد؛ بی‌دین نیز همان حقوق را دارد. ممنوعیت فقط متوجه امتیاز قانونی، اجبار مناسک، پلیس دینی، دادگاه شرعی اجباری و وتوی روحانیت است. خانواده هفتم دقیقاً برای نشان دادن امکان حضور دموکراتیک دین‌باوران طراحی شده است.

۱۲-۵. نقد پنجم: شرط خلع سلاح، احزاب مناطق تحت سرکوب را نابرابر می‌کند

در دوره سرکوب، برخی گروه‌ها سلاح را وسیله دفاع دانسته‌اند؛ این سابقه باید با زمینه تاریخی بررسی شود. اما پس از ایجاد تضمین امنیتی، بقای ارتش حزبی رقابت برابر را ناممکن می‌کند. خلع سلاح باید متقارن باشد: سپاه، بسیج، نیروهای نیابتی، گروه‌های منطقه‌ای و هر میلشیشیای پادشاهی‌خواه یا چپ‌گرا همگی تابع یک قانون، نظارت و جدول زمانی باشند. امنیت اعضای خلع سلاح شده و مناطق آنان نیز باید تضمین شود.

خطر	صورت مسئله	سازوکار پیشگیری
شخصی شدن گذار	رهبر یا خاندان جای نهاد را می‌گیرد	دوره محدود، شورای جمعی، شفافیت تصمیم و دادگاه ناظر

خطر	صورت مسئله	سازوکار پیشگیری
خلأ امنیتی	شورش مسلحانه، غارت یا تصرف مراکز حساس	فرماندهی موقت جمعی، پلیس حرفه‌ای، ثبت سلاح و حفاظت زیرساخت
انتقام و پاکسازی	مجازات جمعی کارکنان دولت و اعضای سابق	مسئولیت فردی، دادرسی، کمیسیون خدمات کشوری و منع اخراج عقیدتی
دولت حزبی انتقالی	استفاده از بودجه و رسانه برای انتخابات	کابینه تخصصی، منع نامزدی هم‌زمان مدیران، حساسی روزآمد
مداخله خارجی	پول و امنیت پنهان، وابستگی تصمیم‌گیری	ثبت همه کمک‌ها، منع فرمان سیاسی خارجی، نظارت پارلمان
تعارض مرکز و مناطق	خشونت هویتی یا رقابت بر سر منابع	شورای استان‌ها، زبان‌های محلی، فرمول درآمد و میانجی‌گری قضایی
فروپاشی اقتصادی	تورم، فرار سرمایه، بیکاری و قطع خدمات	بانک مرکزی مستقل، بودجه اضطراری، حمایت هدفمند و کمک فنی شفاف
انحصار رسانه‌ای	شبکه‌های بزرگ جای رأی مردم را می‌گیرند	قانون رقابت رسانه، افشای مالکیت، رسانه عمومی چندصددا
حزب‌سازی صوری	تشکل‌های بدون عضو برای گرفتن بودجه	حداقل عضویت قابل راستی‌آزمایی و بودجه بر پایه رأی
اقتدارگرایی انتخاباتی	پیروز انتخابات حقوق مخالفان را محدود می‌کند	منشور حقوق، دادگاه قانون اساسی و محدودیت اصلاحات ضددموکراتیک
حذف زنان و جوانان	بازگشت نخبگان قدیمی و شبکه‌های مردانه	قاعده ۴۰ درصد، انتخابات داخلی و بودجه آموزش رهبری
اطلاعات جعلی و نفرت	تحریک قومی، دینی و سیاسی	شفافیت پلتفرم، آموزش رسانه‌ای، پاسخ سریع و جرم‌انگاری تهدید واقعی

۱۲-۶. معیار ممنوعیت حزب: استثنایی، قضایی و متناسب

راهنمای مشترک دفتر نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر سازمان امنیت و همکاری اروپا و کمیسیون ونیز، اصل را بر آزادی تأسیس و فعالیت حزب می‌گذارد و انحلال را اقدامی استثنایی برای موارد خشونت یا تهدید جدی نظم دموکراتیک می‌داند؛ محدودیت باید قانونی، ضروری، متناسب و پس از ناکافی بودن راه‌های خفیف‌تر باشد. [۲۶] ازاین‌رو «دروازه دموکراتیک» نباید به شورای نگهبان جدید تبدیل شود. رد ثبت یا انحلال فقط با رأی دادگاه، ادله علنی تا حد ممکن، حق دفاع و تجدیدنظر مجاز است.

۱۳. نتیجه گیری و دوازده گزاره اجرایی

ایران برای دموکراتیک شدن لازم نیست اختلاف های تاریخی خود را پاک کند؛ باید آن ها را به اختلاف های قابل رأی تبدیل کند. پادشاهی خواه، جمهوری خواه، سوسیالیست، لیبرال، ملی گرا، سبز و دین باور می توانند هم وطن و رقیب باشند، بدون آنکه یکدیگر را دشمن موجودیتی بدانند. هفت خانواده پیشنهادی، دستگاهی برای ساده سازی آگاهانه این تکثرند: نه هفت زندان عقیدتی و نه هفت سهمیه دائمی قدرت.

در این چارچوب، شاهزاده رضا پهلوی می تواند مهم ترین سرمایه فردی برای آغاز هماهنگی باشد، اما ارزش تاریخی این نقش زمانی تثبیت می شود که او و همه جریان های دیگر، خود را به نهادهایی محدود کنند که پس از آنان نیز باقی می ماند. یک سکولار دموکراسی موفق نه از اعتماد بی قید و شرط به رهبر، بلکه از بی اعتمادی سازنده، تقسیم قدرت، شفافیت و حق برکاری مسالمت آمیز ساخته می شود.

۱. هفت خانواده، فراکسیون های اختیاری اند؛ تشکیل حزب هشتم، نهم یا نامزدی مستقل آزاد است.
۲. همه تشکل ها پیش از طبقه بندی ایدئولوژیک باید از دروازه دموکراتیک عبور کنند.
۳. پادشاهی و جمهوری باید از محور چپ و راست جدا و در همه پرسی آگاهانه تعیین شوند.
۴. دو متن قانون اساسی باید در حقوق، پارلمان و دولت هم ارز باشند و فقط در ریاست کشور تفاوت کنند.
۵. رضا پهلوی، در صورت پذیرش نقش، هماهنگ کننده زمان مند و پاسخ گو باشد؛ نه صاحب اختیار فراقانونی.
۶. احزاب منطقه ای بر پایه برنامه اجتماعی - اقتصادی در هفت خانواده جای گیرند و فراکسیون منطقه ای فرعی داشته باشند.
۷. سلاح از حزب جدا شود؛ خلع سلاح باید شامل همه نیروهای حکومتی، اپوزیسیون و منطقه ای باشد.
۸. مسئولیت نقض حقوق فردی است؛ پاکسازی جمعی اعضای احزاب سابق و بدنه دولت ممنوع باشد.
۹. نظام انتخاباتی تناسبی، مسیر منطقه ای و کرسی های تعدیلی، تکثر را به پارلمان تبدیل کند.
۱۰. قانون احزاب ثبت محور و تسهیل کننده باشد؛ انحلال فقط استثنایی، قضایی و متناسب باشد.
۱۱. نظر غالب مردم فقط در فضای آزاد، با رأی مخفی، رسانه برابر و امکان تغییر دولت شناخته می شود.
۱۲. موفقیت گذار با پایان داوطلبانه نهادهای موقت و نخستین انتقال مسالمت آمیز قدرت سنجیده شود.

پیمان هفت خانواده در یک جمله

ما بر سر گذشته، اقتصاد، دین، هویت و شکل ریاست کشور اختلاف داریم؛ اما متعهد می شویم این اختلاف ها را فقط با آزادی، قانون، رأی برابر، حقیقت گوئی، منع خشونت و پذیرش شکست انتخاباتی حل کنیم.

پیوست الف. اطلس اولیه احزاب، سازمان‌ها و ائتلاف‌های سیاسی ایران

این اطلس تشکلهای اصلی فعال، نیمه‌فعال، ممنوع، تبعیدی یا از نظر تاریخی اثرگذار را در بر می‌گیرد. هدف آن ارائه نقطه شروع برای گفت‌وگو و ثبت حزبی است. جای‌گذاری بر اساس برنامه علنی و سابقه شناخته‌شده انجام شده و باید با پاسخ رسمی هر تشکل، ارائه اساسنامه به‌روز و حسابرسی مستقل اصلاح شود. نام‌بردن از یک سازمان به معنای تأیید، اتهام کیفری یا برآورد پایگاه اجتماعی آن نیست.

کد	معنا
الف	قابل ثبت بر اساس برنامه علنی، با راستی‌آزمایی عادی
ب	پذیرش مشروط به اصلاح اساسنامه، خلع سلاح، حسابرسی یا گسست از ساختار تبعیض‌آمیز
ج	در شکل کنونی با قواعد دموکراتیک ناسازگار؛ افراد آن حق فعالیت فردی دارند
د	اطلاعات برنامه‌ای یا سازمانی ناکافی؛ نیازمند بررسی

الف۱. اصول‌گرایان، محافظه‌کاران و شبکه‌های درون نظام

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی	داخل؛ ائتلاف انتخاباتی اصول‌گرا	۱ یا ۶ پس از تحول	ائتلاف محافظه‌کار و امنیت‌محور؛ باید ولایت فقیه، نظارت استصوابی و منابع حکومتی را کنار بگذارد.	ب
جبهه پایداری انقلاب اسلامی	داخل؛ اصول‌گرای سخت‌گیر	۷ یا ۶ فقط پس از بازتأسیس	پیوند ایدئولوژیک با حکومت دینی و گزینش؛ در شکل کنونی با سکولاریسم حقوقی ناسازگار.	ج

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
جامعه روحانیت مبارز	داخل؛ روحانی - محافظه کار	۷ پس از تحول	می‌تواند به حزب دین‌باور دموکرات تبدیل شود، مشروط به رد امتیاز روحانیت و ولایت فقیه.	ج
حزب مؤتلفه اسلامی	داخل؛ محافظه کار بازار و مذهبی	۷ یا ۱ پس از تحول	پایگاه بازار و محافظه کاری اقتصادی، اما تعهد تاریخی به نظم دینی نیازمند بازنگری بنیادی است.	ج
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	داخل؛ نهاد روحانی سیاسی	غیرحزبی یا ۷ پس از تحول	نهاد صنفی - مذهبی باید از اقتدار حکومتی جدا شود؛ ورود حزبی فقط با برابری حقوقی.	ج
جامعه اسلامی مهندسين	داخل؛ محافظه کار حرفه‌ای	۱ یا ۷	ظرفیت تکنوکراتیک دارد؛ پذیرش مشروط به سکولاریسم و استقلال از شبکه‌های حکومتی.	ب
جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی	داخل؛ اصول گرا	۶ یا ۱ پس از تحول	هویت انقلابی و امنیتی؛ نیازمند گسست از امتیازهای ایدئولوژیک و شفافیت مالی.	ب
جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی	داخل؛ اصول گرا	۱ یا ۶ پس از تحول	محافظه کاری سیاسی؛ ثبت منوط به پذیرش رقابت برابر و پاسخ‌گویی درباره ارتباط حکومتی.	ب
جمعیت جانبازان انقلاب اسلامی	داخل؛ اصول گرا	۶ یا ۷ پس از تحول	هویت ارزشی و انقلابی؛ باید از سیاست امتیازمحور و شبکه‌های شبه‌نظامی جدا شود.	ب
جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی	داخل؛ اصول گرا	۶ یا ۷ پس از تحول	نام و برنامه بر وفاداری ایدئولوژیک استوار است؛ نیازمند بازتعریف شهروندی و گردش قدرت.	ب

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
جمعیت یاران انقلاب اسلامی - یگا	داخل؛ مدیران پیشین دولت و اصول‌گرا	۱ یا ۶ پس از تحول	گرایش اجرایی و ملی؛ پذیرش مشروط به سکولاریسم، حساسی و رد دولت ایدئولوژیک.	ب
حزب توسعه و عدالت ایران اسلامی	داخل؛ اصول‌گرای توسعه‌خواه	۱ پس از تحول	عنوان و برنامه توسعه‌ای آن با خانواده اول سازگارتر است، اما پیوند نظامی - دینی باید قطع شود.	ب
جمعیت پیشرفت و عدالت ایران اسلامی	داخل؛ اصول‌گرای نوساز	۱ یا ۶ پس از تحول	توسعه و مدیریت شهری؛ نیازمند رقابت آزاد، شفافیت مالی و گسست از ولایت فقیه.	ب
حزب تمدن اسلامی	داخل؛ محافظه‌کار مذهبی	۷ پس از تحول	می‌تواند دین‌باور دموکرات شود، اما برتری شریعت و نهاد دینی باید صریحاً رد شود.	ب
جامعه زینب	داخل؛ زنان محافظه‌کار مذهبی	۷ پس از تحول	مشارکت زنان نقطه مثبت است؛ برابری کامل جنسیتی و سکولاریسم شرط مثبت دموکراتیک است.	ب
جامعه اسلامی پزشکان	داخل؛ تشکل حرفه‌ای اصول‌گرا	۱ یا ۷	بهتر است از نهاد صنفی به حزب برنامه‌محور تبدیل شود؛ استقلال حرفه‌ای و مالی لازم است.	ب
جامعه اسلامی کارمندان	داخل؛ تشکل حرفه‌ای مذهبی	۷ یا ۱	پذیرش مشروط به منع استفاده از منابع اداری و پذیرش بی‌طرفی خدمات کشوری.	ب
جامعه اسلامی ورزشکاران	داخل؛ تشکل حرفه‌ای مذهبی	۷ یا غیرحزبی	کارکرد صنفی آن از حزب متمایز است؛ ثبت سیاسی نیازمند عضویت و برنامه مستقل است.	د
جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی - جمن	داخل؛ ائتلاف اصول‌گرا، تاریخی/کم‌فعال	۱/۶ پس از تحول	ائتلاف انتخاباتی به جای حزب؛ باید منابع، عضویت و تعهد دموکراتیک روشن شود.	ب

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
ائتلاف آبادگران ایران اسلامی	داخل؛ ائتلاف تاریخی اصول‌گرا	۱ یا ۶ پس از تحول	بیشتر برند انتخاباتی بوده است؛ در صورت احیا باید به حزب پانخ‌گو تبدیل شود.	د
جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی	داخل؛ تاریخی	۷ یا ۶ پس از تحول	ارزش‌محوری ایدئولوژیک؛ وضعیت فعالیت و برنامه به‌روز نامعلوم است.	د

الف ۲. اصلاح‌طلبان، اعتدالیون، ملی - مذهبی‌ها و تشکل‌های حرفه‌ای داخل

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
جبهه اصلاحات ایران	داخل؛ ائتلاف اصلاح‌طلب	۲، ۳ یا ۷ پس از تحول اعضا	ائتلاف فراخانواده است؛ باید از اصلاح درون ولایت فقیه به رقابت سکولار و برابر گذار کند.	ب
مجمع روحانیون مبارز	داخل؛ روحانی اصلاح‌طلب	۷ پس از تحول	ظرفیت مسلمان‌دموکرات دارد؛ پذیرش منوط به رد امتیاز فقهی و تبعیض جنسیتی و دینی.	ب
حزب اتحاد ملت ایران اسلامی	داخل؛ اصلاح‌طلب	۲ یا ۷	حقوق‌محورتر از اصول‌گرایان؛ باید سکولاریسم حقوق و برچیدن نظارت استصوابی را صریح کند.	ب
حزب اعتماد ملی	داخل؛ اصلاح‌طلب و مذهبی	۷ یا ۳	عدالت و اصلاح سیاسی؛ پذیرش مشروط به جدایی دین و دولت و دموکراسی درون‌حزبی.	ب
حزب کارگزاران سازندگی ایران	داخل؛ تکنوکرات و میانه	۱ یا ۲	توسعه‌گرا و اقتصاد مختلط/بازار؛ نیازمند حسابرسی شبکه‌های قدرت و گسست از ساختار دینی.	ب

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
حزب اعتدال و توسعه	داخل؛ میانه و تکنوکرات	۱ یا ۲	عمل‌گرایی و توسعه؛ موضع حقوق درباره سکولاریسم و مسئولیت دوران حکومت باید روشن شود.	ب
حزب مردم‌سالاری	داخل؛ اصلاح طلب	۲ یا ۷	نام و گفتمان انتخاباتی مثبت؛ پذیرش منوط به رد ولایت فقیه و برابری کامل شهروندی.	ب
حزب اراده ملت ایران - حاما	داخل؛ اصلاح طلب/ملی	۲	گرایش مدنی و ملی؛ باید برنامه اقتصادی و موضع سکولار به‌روز ارائه دهد.	ب
حزب ندای ایرانیان	داخل؛ نسل جدید اصلاح طلب	۳ یا ۲	گرایش میانه‌چپ و توسعه اجتماعی؛ پذیرش مشروط به سکولاریسم و استقلال واقعی.	ب
حزب اسلامی کار	داخل؛ کارگری و مذهبی	۳ یا ۷	حقوق کار و عدالت؛ باید از کنترل حکومتی و شریعت سیاسی جدا شود.	ب
خانه کارگر	داخل؛ شبکه کارگری نزدیک حکومت	۳ پس از استقلال	تشکل صنفی/سیاسی با منابع و پیوند دولتی؛ باید اتحادیه مستقل و رقابتی شود.	ب
جمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم	داخل؛ روحانی اصلاح طلب	۷	قابلیت دین‌باوری دموکراتیک دارد؛ شرط، نفی هر حق ویژه برای فقیه و حوزه است.	ب
انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران	داخل؛ حرفه‌ای اصلاح طلب	۲، ۳ یا ۷	پیش از ثبت حزبی باید کارکرد صنفی، عضویت و برنامه مستقل روشن شود.	ب
انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها	داخل؛ دانشگاهی اصلاح طلب	۲ یا ۷	حقوق دانشگاه و اصلاح؛ نیازمند برنامه حزبی، سکولاریسم و انتخابات داخلی شفاف.	ب
انجمن اسلامی معلمان ایران	داخل؛ صنفی - اصلاح طلب	۳ یا ۷	آموزش و حقوق معلم؛ بهتر است استقلال صنفی از حزب حفظ شود.	ب

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
انجمن اسلامی مهندسان ایران	داخل؛ حرفه‌ای اصلاح طلب	۲ یا ۷	ملی - مذهبی و حرفه‌ای؛ شرط ورود، برابری حقوق و برنامه عمومی روشن است.	ب
حزب همبستگی ایران اسلامی	داخل؛ اصلاح طلب	۲ یا ۷	برنامه میانه؛ نیازمند گسست از امتیازهای نظام و به‌روزرسانی ساختار.	ب
سازمان عدالت و آزادی ایران اسلامی	داخل؛ اصلاح طلب، عمدتاً اصفهان	۲ یا ۳	عدالت و آزادی؛ قابلیت مرکزچپ دارد، مشروط به سکولاریسم صریح.	ب
حزب پیشرو اصلاحات	داخل؛ اصلاح طلب	۲ یا ۷	وضعیت سازمانی و برنامه به‌روز نیازمند راستی‌آزمایی است.	د
جبهه مشارکت ایران اسلامی	داخل؛ ممنوع/تاریخی	۲ یا ۷	میراث اصلاح طلب حقوق‌محور؛ بازتأسیس باید سکولاریسم، برابری و مسئولیت گذشته را روشن کند.	ب
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران	داخل؛ ممنوع/تاریخی	۳، ۷ یا ۲	ترکیب چپ اسلامی و اصلاح طلبی؛ پذیرش مشروط به نفی انقلابی‌گری ایدئولوژیک و شریعت دولتی.	ب
شورای هماهنگی راه سبز امید	داخل/خارج؛ شبکه جنبش سبز	ائتلاف؛ اعضا در ۲، ۳، ۵ یا ۷	جنبش و شورا بیش از حزب است؛ باید به تشکل‌های برنامه‌ای و انتخابی تبدیل شود.	ب
دفتر تحکیم وحدت و شاخه‌های دانشجویی	داخل؛ دانشجویی، چندپاره	۲، ۳ یا ۷	نهاده دانشجویی نباید سهم دائمی قدرت بگیرد؛ برنامه و استقلال هر شاخه باید سنجیده شود.	د
نهضت آزادی ایران	داخل؛ محدود/ممنوع، ملی - مذهبی	۷ یا ۲	آزادی‌خواهی و ضد استبداد؛ شرط نهایی، سکولاریسم حقوق و برابری کامل است.	ب

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
شورای فعالان ملی - مذهبی	داخل/خارج؛ شبکه فکری - سیاسی	۷ یا ۲	پل میان ایمان، ملی گرایی و حقوق؛ نیازمند ساختار حزبی و موضع روشن درباره دین و قانون.	ب
جنبش مسلمانان مبارز	داخل/خارج؛ ملی - مذهبی	۷ یا ۳	عدالت خواه و دینی؛ ورود منوط به رد شریعت حکومتی و پذیرش تکثر است.	ب
صدای ملت	داخل؛ فهرست/جریان انتخاباتی	۲ یا ۱	میان‌رو و منتقد؛ برای ثبت باید عضویت، برنامه و استقلال سازمانی پیدا کند.	د
جمعیت زنان مسلمان نواندیش	داخل؛ زنان اصلاح طلب	۷ یا ۲	حقوق زنان نقطه قوت؛ برابری حقوق بی قید و سکولاریسم باید مبنا شود.	ب

الف ۳. مشروطه خواهان، ملیون، لیبرال ها و جمهوری خواهان سکولار

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
حزب مشروطه ایران - لیبرال دموکرات	خارج؛ حزب مشروطه خواه	۱	لیبرال دموکراسی، جدایی دین و دولت و پادشاهی پارلمانی؛ راستی آزمایی عادی.	الف
حزب ایران نوین	خارج؛ حزب مشروطه خواه/توسعه گرا	۱	سکولاریسم، بازار، مالکیت، قانون و توسعه؛ خانواده نخست روشن ترین جایگاه است.	الف
حزب محافظه کار ایران	خارج؛ تشکل نوپدید ۲۰۲۶	۱ یا ۶	برنامه اولیه سکولار و ملی - محافظه کار؛ نیازمند تثبیت عضویت و ساختار.	د
حزب سکولار دموکرات ایرانیان	خارج؛ سکولار و فراشکلی	۱ یا ۲	هدف سکولار دموکراتیک؛ خانواده تابع برنامه اقتصادی و تمرکززدایی است.	الف

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
شورای ملی ایران برای انتخابات آزاد	خارج؛ ائتلاف	فراخوانده؛ غالباً ۱ و ۲	ائتلاف مشروطه‌خواه و سکولار؛ وضعیت فعلی، عضویت و دموکراسی داخلی باید به‌روز شود.	د
شبکه فرشگرد	خارج؛ شبکه کنشگری مشروطه‌خواه	۱ یا ۶	شبکه است نه حزب کامل؛ باید برنامه، عضویت، مالی و پاسخ‌گویی روشن کند.	د
جبهه ملی ایران	داخل/خارج؛ ملی - مصدق	۲؛ برخی ۳ یا ۶	حاکمیت ملی، قانون و جمهوری‌خواهی غالب؛ برنامه اقتصادی جناح‌ها متفاوت است.	الف
حزب ایران	داخل/خارج؛ عضو سنت جبهه ملی	۲ یا ۳	ملی‌گرایی مدنی و عدالت اجتماعی؛ نیازمند تعیین وضعیت سازمانی روزه.	ب
حزب مردم ایران	داخل/خارج؛ ملی و تاریخی	۲ یا ۳	سنت ملی و سوسیال‌دموکرات؛ فعالیت و ساختار کنونی نیازمند بررسی.	د
حزب پان‌ایرانیست	داخل/خارج؛ ملی‌گرا	۶	ملی‌گرایی و تمامیت ارضی؛ ثبت منوط به ملی‌گرایی مدنی و رد طرد قومی است.	ب
حزب ملت ایران	داخل/خارج؛ ملی‌گرا و جمهوری‌خواه	۶ یا ۲	ملی‌گرایی مصدق و ضد استبداد؛ باید موضع حقوق‌زبانی و برنامه اقتصادی روشن شود.	ب
اتحاد جمهوری‌خواهان ایران	خارج؛ جمهوری‌خواه سکولار	۲ یا ۳	تکثر جمهوری‌خواه و دموکرات؛ خانواده هر عضو/جریان تابع برنامه اقتصادی است.	الف
همبستگی جمهوری‌خواهان ایران	خارج؛ جمهوری‌خواه سکولار	۲ یا ۳	ائتلاف جمهوری‌خواه؛ ساختار فراخوانده‌ای و حقوق‌محور.	الف
همگامی برای جمهوری سکولار دموکرات در ایران	خارج؛ ائتلاف پنج‌گانه	۲ و ۳	اصول جمهوری سکولار و حاکمیت مردم؛ ائتلاف، نه حزب واحد.	الف

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
سازمان‌های جبهه ملی ایران در خارج کشور	خارج؛ ملی - جمهوری خواه	۲	سنت مصدق و سکولار؛ وضعیت شاخه‌ها و نمایندگی باید روشن شود.	ب
شورای مدیریت گذار	خارج؛ ائتلاف گذار	فراخانواده؛ ۲/۳/منطقه‌ای	وظیفه گذار و ائتلافی دارد؛ اعضا باید جداگانه طبقه‌بندی شوند.	ب
شورای گذار ایران	خارج؛ ائتلاف/شبکه	فراخانواده	نام و ترکیب در دوره‌های مختلف؛ نیازمند شفافیت عضویت و تمایز از شوراهای مشابه.	د
کنگره آزادی ایران	خارج؛ ائتلاف نوپدید ۲۰۲۶	فراخانواده	تلاش برای گفت‌وگوی جمهوری خواه، مشروطه خواه، چپ و میانه؛ باید ساختار پایدار و منابع روشن شود.	ب
شورای دموکرات‌های ایران	خارج؛ ائتلاف چندقومیتی/دموکرات	۲ و ۳	دموکراسی و حقوق ملیت‌ها؛ برنامه مشترک و موضع مرزی باید به‌روز شود.	ب
اتحاد برای دموکراسی در ایران	خارج؛ ائتلاف	۲ و ۳	ائتلاف دموکراتیک تاریخی؛ وضعیت فعالیت و اعضای کنونی نیازمند بررسی.	د
همبستگی برای آزادی و برابری در ایران	خارج؛ ائتلاف سراسری و منطقه‌ای	۲، ۳ و ۴	حقوق برابر و همکاری چندجریانی؛ وضعیت سازمانی و موضع خشونت هر عضو جداگانه سنجیده شود.	ب
کنگره ملیت‌های ایران فدرال	خارج؛ ائتلاف منطقه‌ای	فراخانواده با محور فدرالیسم	اعضا از نظر اقتصادی متفاوت‌اند؛ حفظ مرزها، عدم خشونت و حقوق برابر معیار ثبت است.	ب
انجمن پادشاهی ایران - تندر	خارج؛ سلطنت طلب با سابقه خشونت محور	هیچ خانواده در شکل کنونی	اتهامات و سابقه عملیات خشونت‌آمیز؛ ورود فقط پس از انحلال ساختار خشونت و حساسیتی کامل.	ج

الف۴. سوسیال‌دموکرات‌ها، چپ‌ها، کمونیست‌ها و سبزها

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
حزب چپ ایران - فداییان خلق	خارج؛ چپ نو و جمهوری‌خواه	۳ یا ۴	جمهوری‌مدرن، دموکراتیک و سکولار؛ بال اصلاح‌گرا به ۳ و بال سوسیالیست‌تر به ۴ نزدیک است.	الف
حزب سوسیال‌دموکرات و لائیک ایران	خارج؛ سوسیال‌دموکرات	۳	سکولاریسم و سوسیال‌دموکراسی؛ نیازمند راستی‌آزمایی عادی ساختار و عضویت.	الف
حزب سبزهای ایران	خارج؛ سبز و جمهوری‌خواه	۵	محیط زیست، دموکراسی، اقتصاد سبز و مسئولیت‌شرکتی؛ خانواده پنجم روشن است.	الف
حزب توده ایران	خارج/زیرزمینی؛ کمونیست تاریخی	۴	حقوق کار و سوسیالیسم؛ ثبت منوط به تکثیر، استقلال خارجی، حق مالکیت و نقد گذشته است.	ب
حزب کمونیست ایران	خارج؛ کمونیست	۴	سوسیالیسم انقلابی و پیوند با کومله؛ ورود منوط به رقابت چندحزبی و جدایی کامل از نیروی مسلح.	ب
حزب کمونیست کارگری ایران	خارج؛ کمونیست کارگری	۴	سکولاریسم و برابری اجتماعی؛ باید انتقال مسألت‌آمیز، حق مالکیت و قواعد پارلمانی را تثبیت کند.	ب
حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست	خارج؛ کمونیست کارگری	۴	جای نظری در چپ؛ وضعیت شاخه، رهبری و موضع درباره خشونت باید روشن شود.	ب
حزب حکمتیست - خط رسمی	خارج؛ شاخه کمونیستی	۴	برنامه سوسیالیستی؛ تکثیر، دموکراسی داخلی و عدم خشونت نیازمند ارزیابی است.	ب

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت	خارج؛ چپ تاریخی	۳ یا ۴	گرایش به جمهوری سکولار و اصلاح چپ؛ ساختار و استقلال سازمانی باید راستی‌آزمایی شود.	ب
سازمان فدائیان خلق ایران - اقلیت	خارج؛ چپ انقلابی	۴	سوسیالیسم رادیکال؛ ورود منوط به ترک راهبرد قهر و پذیرش پارلمنتاریسم است.	ب
سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران	خارج؛ چپ انقلابی	۴	نام و سابقه چریکی؛ شرط ثبت، نفی روشن مبارزه مسلحانه و دموکراسی داخلی است.	ب
اتحاد فدائیان خلق ایران	خارج؛ ائتلاف/سازمان چپ	۳ یا ۴	چپ جمهوری‌خواه؛ وضعیت وحدت، اعضا و برنامه کنونی باید روشن شود.	ب
سازمان راه کارگر	خارج؛ چپ انقلابی	۴	حقوق کار و ضدسرمایه‌داری؛ پذیرش مشروط به تکثر، عدم خشونت و حق مخالفان.	ب
سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر	خارج؛ شاخه چپ	۴	مشابه راه کارگر؛ تمایز شاخه‌ها و ساختار جاری باید ثبت شود.	ب
سازمان رنجبران ایران	خارج؛ مارکسیست - لنینیست	۴	سوسیالیسم انقلابی؛ نیازمند بازنگری در حزب پیشاهنگ، خشونت و وابستگی تاریخی.	ب
حزب کار ایران - توفان	خارج؛ مارکسیست - لنینیست	۴	چپ رادیکال؛ تکثر، انتخابات آزاد و حقوق مالکیت باید صریحاً پذیرفته شود.	ب
حزب کمونیست ایران - مارکسیست، لنینیست، مائوئیست	خارج؛ مائوئیست	۴	خط انقلابی؛ در شکل فعلی احتمالاً پذیرش مشروط یا ناسازگار با پارلمنتاریسم.	ب
حزب کارگران سوسیالیست ایران	خارج؛ تروتسکیست/سوسیالیست	۴	سوسیالیسم و حقوق کار؛ برنامه و ساختار کنونی نیازمند راستی‌آزمایی.	د

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
اتحاد سوسیالیستی کارگری	خارج؛ سوسیالیست	۳ یا ۴	اطلاعات محدود و احتمال تغییرات سازمانی؛ طبقه‌بندی موقت.	د
گرایش‌های اکوسوسیالیست ایرانی	داخل/خارج؛ شبکه‌ای و نوپدید	۴ یا ۵	ترکیب عدالت و اقلیم؛ تا تشکیل حزب، شبکه مدنی محسوب می‌شوند.	د

الف۵. احزاب و سازمان‌های کردی، بلوچ، عرب، آذربایجانی، ترکمن، لر و قشقایی

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
حزب دموکرات کردستان ایران - PDKI	خارج/کردستان؛ دموکراتیک سوسیالیست	۳	سکولار، فدرال و عضو خانواده سوسیالیستی؛ خلع سلاح و تفکیک شاخه نظامی شرط رقابت است.	ب
حزب دموکرات کردستان - ایران	خارج/کردستان؛ شاخه منشعب/هم‌نام	۳ یا ۶	مواضع نزدیک به حقوق کردی و فدرالیسم؛ وضعیت وحدت، برنامه و سلاح باید روشن شود.	ب
کومله حزب کردستان ایران	خارج/کردستان؛ سوسیال‌دموکرات	۳	سکولار، دموکراتیک و فدرال؛ ورود کامل منوط به خلع سلاح و حساسی است.	ب
کومله - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران	خارج/کردستان؛ کمونیست	۴	چپ و خودگردان/فدرال؛ باید از شاخه نظامی جدا و به حزب مدنی تبدیل شود.	ب
کومله زحمتکشان کردستان	خارج/کردستان؛ شاخه کومله	۳ یا ۴	نام و شاخه‌ها متغیر؛ برنامه و ساختار به‌روز، و وضعیت مسلحانه نیازمند بررسی است.	د
حزب آزادی کردستان - پاک	خارج/کردستان؛ ملی‌گرای مسلح	۳ یا ۶ از نظر نظری	تا خلع سلاح، پاسخ‌گویی و پذیرش رقابت مدنی شرایط مثبت ندارد.	ج

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
سازمان خبات کردستان ایران	خارج/کردستان؛ ملی/مذهبی و مسلح	۶ یا ۷ از نظر نظری	وجود یا سابقه نیروی مسلح و مواضع مذهبی؛ خلع سلاح و سکولاریسم حقوق لازم است.	ج
حزب حیات آزاد کردستان - پژاک	مرزی/خارج؛ مسلح، چپ	۴ از نظر نظری	ساختار مسلح و پیوند منطقه‌ای؛ در شکل کنونی خارج از رقابت پارلمانی.	ج
ائتلاف نیروهای سیاسی کردستان ایران	خارج/کردستان؛ ائتلاف ۲۰۲۶	فراخانواده منطقه‌ای	حقوق کردها در ایران غیرمتمرکز؛ وضعیت هر عضو درباره سلاح و برنامه جداگانه سنجیده شود.	ب
مرکز همکاری احزاب کردستان ایران	خارج/کردستان؛ ائتلاف	فراخانواده منطقه‌ای	هماهنگی احزاب کردی؛ ائتلاف نباید جای ثبت و مسئولیت هر حزب را بگیرد.	ب
حزب مردم بلوچستان	خارج/بلوچستان؛ سکولار و فدرال	۲ یا ۳	حقوق بلوچ و دموکراسی؛ برنامه و عدم خشونت باید به‌روز و قابل راستی‌آزمایی باشد.	ب
جبهه متحد بلوچستان ایران	خارج/بلوچستان؛ ائتلاف منطقه‌ای	۲ یا ۶	فدرالیسم/حقوق منطقه‌ای؛ ترکیب و موضع مرزی و امنیتی باید روشن شود.	د
حزب همبستگی ملی بلوچستان	خارج؛ ملی‌گرای بلوچ	۶ در صورت مدنی‌بودن	گزارش‌های علنی از هدف دولت مستقل؛ در صورت اصرار بر جدایی یک‌جانبه، خارج از میثاق سرزمینی.	ج
جبهه مبارزین مردمی بلوچ	مرزی؛ ائتلاف مسلح ۲۰۲۵	هیچ خانواده در شکل کنونی	ائتلاف گروه‌های مسلح و اسلام‌گرا؛ خلع سلاح و انحلال ساختار نظامی شرط اولیه است.	ج
حزب تضامن دموکراتیک اهواز	خارج/خوزستان؛ فدرال و مدنی	۲ یا ۳	حقوق عرب‌های اهوازی و جامعه مدنی؛ حفظ مرزها و عدم خشونت در منابع رسمی مطرح شده است.	ب

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
حزب وفاق اسلامی	داخل/خوزستان؛ عرب و اصلاح طلب، ممنوع	۷ یا ۲	حقوق فرهنگی عرب‌ها و اصلاح طلبی دینی؛ سکولاریسم و ساختار به‌روز شرط است.	ب
جبهه دموکراتیک مردمی عرب اهواز	خارج؛ عرب و چپ/ملی	۳، ۴ یا ۶	مواضع استقلال طلبانه در برخی منابع؛ مرز، خشونت و ساختار باید روشن شود.	ج
جنبش آزادی‌بخش اهواز و گروه‌های مسلح مشابه	خارج/مرزی؛ جدایی طلب و مسلح	هیچ خانواده در شکل کنونی	خشونت و هدف تغییر مرز با زور با دروازه دموکراتیک ناسازگار است.	ج
جنبش ملی بیداری آذربایجان جنوبی - گاموح	خارج/آذربایجان؛ ملی گرا	۶ یا ۲	حقوق زبانی و هویت؛ موضع درباره مرزها، عدم خشونت و حقوق غیر ترک‌ها باید روشن شود.	ب
سازمان مقاومت ملی آذربایجان	خارج/آذربایجان؛ ملی و تمرکززدا	۶ یا ۲	نام و برنامه بر مقاومت هویتی؛ نیازمند شفافیت سازمانی و تعهد مدنی.	د
جبهه آزادی ملی آذربایجان جنوبی	خارج؛ ملی گرای آذربایجانی	۶ در صورت مدنی بودن	موضع استقلال/فدرالیسم و روش مبارزه باید صریح و قابل ارزیابی شود.	د
انجمن فرهنگی آذربایجان	داخل/خارج؛ فرهنگی - سیاسی	۲ یا غیر حزبی	حقوق زبان و فرهنگ؛ اگر حزب شود، برنامه اقتصادی و ساختار عضویت لازم است.	د
جنبش ملی دموکراتیک ترکن	خارج/ترکن صحرا؛ منطقه‌ای	۲، ۳ یا ۶	حقوق محلی و فرهنگی؛ اطلاعات برنامه‌ای محدود است.	د
سازمان دفاع از حقوق مردم ترکن	خارج/ترکن صحرا؛ حقوق محور	۲ یا ۳	حقوق مدنی و منطقه‌ای؛ برای حزب شدن برنامه کامل و ساختار لازم است.	د
حزب متحد لرستان و بختیاری	خارج؛ منطقه‌ای و فدرال	۲ یا ۶	حقوق منطقه‌ای؛ اندازه، ساختار و برنامه عمومی نیازمند راستی‌آزمایی.	د

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
جنبش راه آزادی قشقایی	خارج؛ منطقه‌ای	۲ یا ۶	حقوق فرهنگی و محلی؛ موضع دموکراتیک، مرزی و سازمانی باید روشن شود.	د
سازمان مردم کرمانج خراسان	خارج؛ منطقه‌ای/فرهنگی	۲ یا ۶	هویت و حقوق محلی؛ در صورت فعالیت حزبی باید برنامه جامع و عدم خشونت ارائه شود.	د

الف. پرونده‌های ویژه، جنبش‌ها و نهادهایی که حزب نیستند

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
سازمان مجاهدین خلق ایران	خارج؛ سازمان متمرکز با سابقه مسلحانه	نامشخص؛ پس از تحول احتمالاً ۲/۳/۴	برنامه رسمی سکولار جمهوری خواه در کنار سابقه خشونت و ادعاهای نقض حقوق اعضا؛ حسابرسی مستقل ضروری.	ب
شورای ملی مقاومت ایران	خارج؛ ائتلاف تحت نفوذ مجاهدین	فراخانواده ادعایی	ده‌ماده‌ای دموکراتیک باید با استقلال اعضا، گردش رهبری و شفافیت واقعی سنجیده شود.	ب
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	داخل؛ نیروی نظامی - اقتصادی - ایدئولوژیک	حزب نیست	باید از سیاست و اقتصاد حزبی خارج، زیر فرمان مدنی و غربالگری حقوق بشری قرار گیرد.	ج
سازمان بسیج مستضعفین	داخل؛ شبکه شبه‌نظامی و اجتماعی	حزب نیست	خلع سلاح و انحلال نقش سرکوب؛ اعضای بی‌جرم می‌توانند در نهادهای مدنی یا احزاب عادی فعالیت کنند.	ج

نام تشکل	محیط/وضعیت	خانواده مقدماتی	دلیل و ملاحظه اصلی	کد
جنبش زن، زندگی، آزادی	داخل/جهانی؛ جنبش اجتماعی	فراخانواده؛ بیشتر ۲/۳/۴/۵	منبع ارزش و بسیج است؛ نه حزب واحد؛ نمایندگی دائمی فقط از انتخابات درونی و عمومی می‌آید.	—
جنبش سبز	داخل/خارج؛ جنبش حقوق انتخاباتی	فراخانواده؛ ۲/۳/۵/۷	نباید با حزب زیست‌محیطی اشتباه شود؛ اعضا برنامه‌های متفاوت دارند.	—
جنبش شیر و خورشید	داخل/خارج؛ جنبش ملی و ضد جمهوری اسلامی	فراخانواده؛ ۱/۲/۶ و دیگران	نماد و بسیج ملی؛ برای تبدیل به حزب باید برنامه، عضویت و رهبری انتخابی ایجاد کند.	—
شبکه‌های دادخواهی و خانواده‌های قربانیان	داخل/خارج؛ مدنی	غیرحزبی؛ همکاری با همه خانواده‌ها	نقش محوری در حقیقت و عدالت؛ نباید به سهمیه حزبی یا انتقام جمعی تبدیل شود.	—
اتحادیه‌ها و سندیکاها مستقل کارگری	داخل؛ صنفی و تحت فشار	غیرحزبی؛ نزدیک به ۳/۴	استقلال از حزب و دولت باید حفظ شود؛ حق حمایت انتخاباتی و مذاکره عمومی دارند.	—
کانون‌های صنفی معلمان	داخل؛ صنفی و مدنی	غیرحزبی؛ نزدیک به ۲/۳	نهاده جامعه مدنی است؛ رهبران می‌توانند شخصاً نامزد شوند ولی سازمان نباید بازوی دولت شود.	—
شبکه‌های بازنشستگان و پرستاران	داخل؛ صنفی	غیرحزبی؛ نزدیک به ۳	مطالبات رفاهی و حرفه‌ای؛ استقلال سازمانی از فراکسیون‌ها لازم است.	—
شوراها و انجمن‌های دانشجویی مستقل	داخل؛ مدنی و نسلی	غیرحزبی؛ طیف ۲ تا ۵	محل تربیت سیاسی و نقد؛ سهم قدرت باید از انتخابات عمومی، نه عنوان دانشجویی، بیاید.	—
سازمان‌های حقوق بشر و جامعه مدنی	داخل/خارج؛ ناظر	غیرحزبی	بهتر است از دولت و حزب مستقل بمانند و بر همه خانواده‌ها نظارت کنند.	—
پروژه‌های تخصصی بازسازی و شکوفایی ایران	خارج/داخل؛ شبکه کارشناسی	غیرحزبی یا اندیشکده	دانش سیاستی فراهم می‌کنند؛ تصمیم‌گیری و بودجه باید در اختیار دولت منتخب باشد.	—

کد «-» یعنی واحد مورد نظر اساساً حزب نیست و آزمون ثبت حزبی درباره آن کاربرد مستقیم ندارد. اعضای این جنبش‌ها و نهادها می‌توانند احزاب مستقل بسازند یا به خانواده‌های موجود بپیوندند.

جمع‌بندی آماری و شیوه استفاده از اطلس

خوشه اطلس	تعداد ردیف	تفسیر
اصول‌گرایان، محافظه‌کاران و شبکه‌های درون نظام	۲۱	بخش عمده نیازمند تحول حقوقی و گسست از ولایت فقیه یا ساختار امنیتی است.
اصلاح‌طلبان، اعتدالیون و ملی - مذهبی‌ها	۲۸	ظرفیت ورود به خانواده‌های ۲، ۳ و ۷؛ مشروط به سکولاریسم حقوقی و پاسخ‌گویی.
مشروطه‌خواهان، ملیون، لیبرال‌ها و جمهوری‌خواهان	۲۳	بخش اصلی طیف‌های ۱، ۲ و ۶ و برخی ائتلاف‌های متقاطع را تشکیل می‌دهد.
سوسیال‌دموکرات‌ها، چپ‌ها، کونیست‌ها و سبزها	۲۰	قابل توزیع در خانواده‌های ۳، ۴ و ۵؛ ترک قهر و پذیرش تکثر برای برخی شاخه‌ها لازم است.
احزاب و سازمان‌های منطقه‌ای	۲۷	هویت منطقه‌ای محور متقاطع است؛ خلع سلاح و برنامه ملی/استانی روشن شرط رقابت است.
پرونده‌های ویژه، جنبش‌ها و نهادهای غیرحزبی	۱۴	جنبش یا نهاد مدنی بدون عضویت و انتخابات داخلی، نمایندگی حزبی دائمی ایجاد نمی‌کند.
مجموع ردیف‌های اطلس	۱۳۳	این عدد شمار احزاب فعال و هم‌وزن نیست؛ ردیف‌ها شامل احزاب، شاخه‌ها، ائتلاف‌ها و جنبش‌هاست.

پیوست ب. فرم استاندارد ارزیابی، ثبت و جای گیری حزبی

هدف این فرم آن است که جای داوری سلیقه‌ای، دشمن‌سازی تاریخی و حذف سیاسی را به یک فرایند قابل سنجش، علنی و قابل اعتراض بدهد. تکمیل فرم به معنای تأیید خود کار حزب نیست و رد ثبت نیز فقط با تصمیم مستدل مرجع مستقل و امکان تجدیدنظر قضایی مجاز است. محورهای چهارگانه انتخابات آزاد، برابری حقوق، سکولاریسم قانون و نفی نیروی مسلح حزبی «شروط غیرقابل جبران» اند؛ یعنی امتیاز بالا در اقتصاد، محیط زیست یا محبوبیت نمی‌تواند نقض یکی از این چهار اصل را جبران کند.

حوزه	پرسش‌ها و داده‌های لازم	سند حداقلی
۱. هویت حقوقی و سازمانی	نام رسمی، تاریخ تأسیس، نشانی، شاخه‌ها، تعداد اعضای قابل حساسی و قلمرو فعالیت	اساسنامه ثبت شده، فهرست مسئولان و صورت جلسه کنگره
۲. عضویت و نمایندگی	شرایط عضویت، حق خروج، عضویت دوگانه، سهم اعضای داخل و خارج و سازوکار وکالت	آیین‌نامه عضویت، پایگاه داده حفاظت شده و گزارش سالانه
۳. دموکراسی درون حزبی	انتخاب دوره‌ای رهبر، محدودیت دوره، حق جناح و مخالف، عزل و جانشینی	نتایج انتخابات داخلی، ناظر مستقل و صورت جلسات
۴. دولت سکولار و حقوق برابر	استقلال قانون از شریعت و نهاد دینی؛ برابری زن و مرد، دین دار و بی دین و همه گروه‌ها	تعهد حقوق صریح و انطباق اساسنامه با منشور حقوق
۵. انتخابات و گردش قدرت	پذیرش انتخابات رقابتی، شکست انتخاباتی، دولت اقلیت و انتقال مسالمت آمیز	بیانیه الزام آور و سازوکار انضباطی علیه نفی انتخابات
۶. خشونت، سلاح و امنیت	فقدان شاخه نظامی، افشای سابقه مسلحانه، پذیرش خلع سلاح، ادغام و بازپذیری	فهرست دارایی‌های نظامی، فرمان خلع سلاح و راستی آزمایی مستقل
۷. مالی و نفوذ خارجی	منابع درآمد، کمک‌های بزرگ، دارایی‌ها، رسانه‌ها، ارتباط با دولت‌ها و تعارض منافع	حساب حساسی شده، ثبت کمک کنندگان و ممنوعیت پول پنهان دولتی
۸. برنامه اقتصادی و رفاهی	مالکیت، مالیات، رقابت، حقوق کار، بیمه اجتماعی، بودجه و منابع اجرای وعده‌ها	برنامه چهارساله هزینه شده و ارزیابی مستقل مالی
۹. اداره سرزمین و تنوع	تمرکززدایی، فدرالیسم یا وحدت اداری؛ زبان‌ها، شوراها، منابع محلی و تمامیت سرزمینی	نقشه اختیارات، تضمین حقوق فردی و سازوکار حل اختلاف
۱۰. محیط زیست و نسل آینده	آب، انرژی، آلودگی، فرونشست، تنوع زیستی و گذار عادلانه	اهداف کمی، جدول زمانی و ارزیابی اثرات

حوزه	پرسش‌ها و داده‌های لازم	سند حداقلی
۱۱. پانخ‌گویی تاریخی	نقش در سرکوب، فساد، تبعیض، خشونت یا تبلیغ نفرت؛ نحوه جبران و همکاری با حقیقت‌یابی	اظهارنامه مسئولیت، آرشیو قابل دسترس و همکاری با نهاد عدالت انتقالی
۱۲. انتخاب خانواده پارلمانی	خانواده اصلی، خانواده دوم احتمالی، موضع درباره پادشاهی/جمهوری و شروط ائتلاف	مصوبه کنگره حزب و تفاهم‌نامه فراکسیونی

ب-۱. شیوه امتیازدهی پیشنهادی

بخش	دامنه	قاعده
هسته دموکراتیک	۱۲ امتیاز	سکولاریسم حقوقی، انتخابات، برابری، منع خشونت، دموکراسی داخلی و شفافیت مالی؛ هر محور ۰ تا ۲
تعریف برنامه‌ای	۸ امتیاز	اقتصاد، رفاه، تمرکززدایی و محیط زیست؛ هر محور ۰ تا ۲
حداقل ثبت اولیه	۱۰ از ۱۲ در هسته	به علاوه امتیاز صفر نداشتن در چهار شرط غیرقابل جبران
پذیرش مشروط	۷ تا ۹ در هسته	مهلت شش تا دوازده ماهه برای اصلاح اساسنامه، حساسی، خلع سلاح یا انتخابات داخلی
رد موقت ثبت	کمتر از ۷ یا نقض شرط بنیادین	تصمیم مستدل، محدود به رفتار و ساختار سازمان، نه عقیده یا هویت اعضا؛ قابل تجدیدنظر

اصل منع شورای نگهبان جدید

هیچ کمیسیون اداری نباید درباره «صلاحیت سیاسی» نامزدها داوری کند. ثبت حزب باید بر شفافیت، عدم خشونت و رعایت قانون عمومی متمرکز باشد؛ محرومیت افراد از نامزدی فقط با حکم دادگاه مستقل، مدت مشخص و حق تجدیدنظر ممکن است.

ب-۲. نمونه تفاهم‌نامه یک فراکسیون پارلمانی

- نام و هدف فراکسیون؛ فهرست احزاب عضو؛ و تصریح اینکه عضویت به معنای انحلال یا تغییر موضع حزب درباره پادشاهی و جمهوری نیست.

- برنامه حداقلی مشترک برای قانون گذاری، بودجه، حقوق بنیادین، سیاست خارجی و اداره دولت؛ همراه با موضوعات دارای رأی آزاد.
- روش انتخاب رئیس و هیئت رئیسه فراکسیون، محدودیت دوره، سهم احزاب کوچک و الزام گزارش منظم به اعضا.
- قواعد مذاکرات ائتلافی، رأی اعتماد، بودجه و استیضاح؛ هر توافق دولتی باید پیش از اجرا منتشر شود.
- کمیته حل اختلاف و میانجی گری؛ امکان خروج بدون مصادره کرسی، دارایی یا نام حزب؛ ممنوعیت تهدید و تخریب شخصی.
- انتشار صورت جلسه های غیرامنیتی، حسابرسی هزینه های مشترک و ثبت تماس های رسمی با دولت ها و لابی های خارجی.
- بازبینی سالانه تفاهم نامه و رأی گیری مجدد احزاب عضو پس از هر انتخابات سراسری.

ب-۳. پرسشنامه کوتاه تعیین خانواده

پرسش	راهنمای جای گیری
نقش دولت در اقتصاد	بازار و دولت محدود → ۱ یا ۲؛ اقتصاد مختلط و رفاه گسترده → ۳؛ مالکیت عمومی و بازتوزیع بیشتر → ۴
آزادی های اجتماعی و تمرکززدایی	حقوق فردی و تمرکززدایی در هسته برنامه → ۲؛ در ترکیب با عدالت اجتماعی → ۳ یا ۴
محیط زیست	آب، اقلیم و تنوع زیستی محور نخست برنامه و بودجه → ۵؛ در غیر این صورت موضوعی متقاطع
هویت ملی و محافظه کاری	ملی گرایی مدنی، امنیت و پیوستگی فرهنگی محور نخست → ۶؛ مشروط به برابری کامل شهروندی
ایمان و سیاست اجتماعی	ارزش های دینی الهام بخش اند اما قانون سکولار و حقوق برابر پذیرفته می شود → ۷
شکل ریاست کشور	پادشاهی/جمهوری درون هر خانواده به صورت بال یا گرایش ثبت می شود و خانواده را تعیین نمی کند.

منابع و مآخذ

- منابع رسمی احزاب، توصیف خود آن‌ها را بازتاب می‌دهند و به‌تنهایی تأیید مستقل عملکرد آنان نیستند. برای پرونده‌های مناقشه‌برانگیز، این مقاله منابع رسمی را در کنار گزارش‌های حقوق بشری، دانشگاهی و خبری قرار داده است. تاریخ آخرین دسترسی به منابع برخط: ۱۸ اوت ۲۰۲۶.
- [۱] Lipset, Seymour Martin, and Stein Rokkan. "Cleavage Structures, Party Systems, and Voter Alignments." In *Party Systems and Voter Alignments*, 1967.
 - [۲] Sartori, Giovanni. *Parties and Party Systems: A Framework for Analysis*. Cambridge University Press, 1976.
 - [۳] Mair, Peter, and Cas Mudde. "The Party Family and Its Study." *Annual Review of Political Science* 1 (1998): 211–229. <https://doi.org/10.1146/annurev.polisci.1.1.211>
 - [۴] Gunther, Richard, and Larry Diamond. "Species of Political Parties: A New Typology." *Party Politics* 9, no. 2 (2003): 167–199. <https://doi.org/10.1177/1354068803009002003>
 - [۵] Mainwaring, Scott, and Timothy R. Scully, eds. *Building Democratic Institutions: Party Systems in Latin America*. Stanford University Press, 1995.
 - [۶] Lijphart, Arend. *Patterns of Democracy: Government Forms and Performance in Thirty-Six Countries*. 2nd ed. Yale University Press, 2012.
 - [۷] Linz, Juan J., and Alfred Stepan. *Problems of Democratic Transition and Consolidation*. Johns Hopkins University Press, 1996.
 - [۸] Norris, Pippa. *Electoral Engineering: Voting Rules and Political Behavior*. Cambridge University Press, 2004.
 - [۹] Sveriges riksdag. "Members and Parties." Information on the 349-member Riksdag and the eight represented parties in the 2022–2026 electoral period. <https://www.riksdagen.se/en/members-and-parties>
 - [۱۰] Swedish Election Authority. "Distribution of Seats." National and constituency thresholds, permanent seats and adjustment seats. <https://val.se/english/the-swedish-electoral-system/distribution-of-seats>
 - [۱۱] Sveriges riksdag. "Decisions that Have Changed Sweden: The 1974 Instrument of Government." Constitutional monarchy and the non-political role of the monarch. <https://www.riksdagen.se/en/news/from-royal-power-to-peoples-power--500-years-of-parliament-in-sweden/decisions-that-have-changed-sweden-15232023>
 - [۱۲] Freedom House. *Freedom in the World 2026: Iran*. <https://freedomhouse.org/country/iran/freedom-world/2026>
 - [۱۳] Iran Data Portal, Syracuse University. "Political Parties Law." English translation and institutional context of party regulation in the Islamic Republic. <https://irandataportal.syr.edu/political-parties-law>
 - [۱۴] GAMAAN. Analytical Report on Iranians' Political Preferences in 2024. Published 20 August 2025. <https://gamaan.org/2025/08/20/analytical-report-on-iranians-political-preferences-in-2024>
 - [۱۵] Reza Pahlavi. Official website: statements and political principles concerning a national, secular, democratic and elected government. <https://rezapahlavi.org/en>
 - [۱۶] Reuters. "Regime Change: Inside Reza Pahlavi's Faltering Bid to Lead Iran." 28 July 2026. <https://www.reuters.com/investigations/regime-change-inside-reza-pahlavis-faltering-bid-lead-iran-2026-07-27>
 - [۱۷] Constitutional Party of Iran (Liberal Democrat). Official charter and programme. <https://iranpci.net/615/%D9%85%D9%86%D8%B4%D9%88%D8%B1>
 - [۱۸] Iran Novin Party. "Manifesto." Official English-language programme. <https://irannovin.party/english-page/manifesto>
 - [۱۹] Hamgami. Charter and programme for a secular democratic republic in Iran. <https://hamgami.org/?p=622>
 - [۲۰] Left Party of Iran (People's Fadaian). Programme for a modern, democratic and secular republic. <https://www.bepish.org/en/node/2545/printable/print>
 - [۲۱] Democratic Party of Iranian Kurdistan. Official "About" and programme materials. <https://pdki.org/english/about>
 - [۲۲] Komala Party of Iranian Kurdistan. Official programme and organisational profile. <https://www.komalainternational.org/read-about>
 - [۲۳] Green Party of Iran. Official platform. <https://www.iran-e-sabz.org/platformEn>
 - [۲۴] National Council of Resistance of Iran. Maryam Rajavi's Ten-Point Plan for a future Iran. <https://www.ncr-iran.org/en/maryam-rajavis-ten-point-plan-for-future-iran>
 - [۲۵] Human Rights Watch. *No Exit: Human Rights Abuses Inside the MKO Camps*. 16 May 2005; see also RAND Corporation, *The Mujahedin-e Khalq in Iraq: A Policy Conundrum*, 2009. <https://www.hrw.org/report/2005/05/16/no-exit/human-rights-abuses-inside-mko-camps>

- OSCE/ODIHR and Venice Commission. Guidelines on Political Party Regulation, 2nd ed., CDL-AD(2020)032. [۲۶]
<https://www.venice.coe.int/webforms/documents/default.aspx?pdffile=CDL-AD%282020%29032-e>
- UK Home Office. Iran: Country Policy and Information Notes, including material on Kurdish political parties and armed groups. <https://www.gov.uk/government/publications/iran-country-policy-and-information-notes> [۲۷]
- Clingendael Institute. Opposition Politics in the Iranian Diaspora: Out of Many, One? Not Just Yet. 2023. <https://www.clingendael.org/publication/opposition-politics-iranian-diaspora-out-many-one-not-just-yet> [۲۸]
- Reuters. "Who Makes Up Iran's Fragmented Opposition?" 18 June 2025. <https://www.reuters.com/business/media-telecom/who-makes-up-irans-fragmented-opposition-2025-06-18> [۲۹]
- International IDEA. Interim Governance Arrangements in Post-Conflict and Fragile Settings. 2021. <https://www.idea.int/publications/catalogue/interim-governance-arrangements-post-conflict-and-fragile-settings> [۳۰]
- United Nations. Universal Declaration of Human Rights, 1948. <https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights> [۳۱]
- United Nations. International Covenant on Civil and Political Rights, 1966. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights> [۳۲]
- Reuters. "Iran Protests Show Bitter Schism among Exiled Opposition Factions." 15 January 2026. <https://www.reuters.com/business/media-telecom/iran-protests-show-bitter-schism-among-exiled-opposition-factions-2026-01-15> [۳۳]
- Houlihan, Erin C., and Sumit Bisarya. Practical Considerations for Public Participation in Constitution-Building: What, When, How and Why? International IDEA Policy Paper No. 24, 2021. <https://doi.org/10.31752/idea.2021.63> [۳۴]
- International IDEA. A Practical Guide to Constitution Building. 2011. <https://www.idea.int/publications/catalogue/practical-guide-constitution-building> [۳۵]
- The Green Movement Charter, English translation archived by PBS/Tehran Bureau, 2010. <https://www.pbs.org/wgbh/pages/frontline/tehranbureau/2010/06/the-green-movement-charter.html> [۳۶]
- Sveriges riksdag. "The Parties at Work." Parliamentary party groups and internal coordination. <https://www.riksdagen.se/en/members-and-parties/the-parties-at-work> [۳۷]
- /GAMAAN. Survey Reports archive and methodological materials. <https://gamaan.org/survey-reports> [۳۸]

یادداشت پایانی نویسنده

این مقاله یک «نقشه آغازین» است، نه فهرست نهایی احزاب آینده ایران. در فضای آزاد، جامعه ایران حق خواهد داشت نام‌ها و ائتلاف‌های تازه بسازد، برخی میراث‌های تاریخی را احیا کند و برخی سازمان‌های امروز را کنار بگذارد. ارزش مدل هفت گانه در آن است که تکثر را به گفت‌وگوی برنامه‌ای تبدیل می‌کند: به جای آنکه همه نیروها فقط درباره گذشته، رهبر یا شکل ریاست کشور با یکدیگر ستیز کنند، ناگزیر می‌شوند درباره اقتصاد، عدالت، آزادی، محیط زیست، هویت، دین و اداره سرزمین پاسخ دقیق بدهند.

ایران آینده تنها زمانی سکولاردموکرات خواهد بود که حتی محبوب‌ترین چهره و بزرگ‌ترین حزب نیز زیر قانون بایستد، مخالف خود را صاحب حق بداند و احتمال شکست در انتخابات را بپذیرد. شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند در صورت رعایت این محدودیت‌ها نقش مهمی در گردآوری نیروها و انتقال اقتدار به نهادهای منتخب ایفا کند؛ اما پایداری نظام آینده نه از نام یک خاندان، یک سازمان یا یک انقلاب، بلکه از پارلمان واقعی، احزاب پاسخ‌گو، قوه قضاییه مستقل و شهروندانی می‌آید که حق انتخاب و تغییر دولت را در اختیار دارند.

پیمان بخشایش

جراح تروما | MD, PhD, MBA

۱۸ اوت ۲۰۲۶ / ۲۷ مرداد ۱۴۰۵